



طلوع وحدت

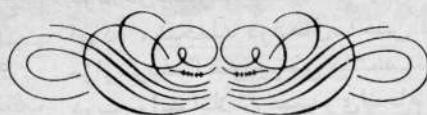
ارگان نشریات ترجمانی و ادبی اسلام افغانستان - کویته

سال سوم - شماره (۲۸) اسد ۱۳۷۲ هـ ش ۱۴۱۴ هـ ق ۱۹۹۳ میلادی

ار: استاد محقق افشار

اربعین حسینی

در صفحه ۲



" بمناسبت پنجمین سالگرد شهادت مظلومانه "

شهادت عارف حسین الحسینی

صفحه ۱۲

نگاهی بر شخصیت معنوی و روشی پيامبر گرامي اسلام

" پيغمبر اکرم (ص) طبق مدارک تاریخی قطعی در محیط پرورش یافته بود که پست ترین محیط زندگی و کانون جهالت و فساد و زناشیل اخلاقی بود، انحضرت گرچه هرگز بت نپرستید و باشیوه، خلاف انسانیت در صفحه ۷

مناسبت بیست و هشتم صفر سالروز رحلت رسول اکرم (ص) گفتار پر محتوایی از علامه طباطبائی فیلسوف اسلامی معاصر صاحب تفسیر المیزان را که بسیار جالب و باارزش است برای استفادۀ خوانندگان طلوع وحدت خلاصه نمودم .



حزب وحدت اسلامی در آستانه چهارمین سالگرد

اکنون که در آستانه چهارمین سالگرد تاسیس حزب وحدت اسلامی قرار داریم این حزب در روند خونبار و خروشان خویشش از گذرگاههای بسیار صعب العبور چپه در میدانهای جهاد و چپه در عرصه های سیاسی و چپه در رد و توطئه های خائنه و چپه در بالا بردن رشد فکری جامعه خویش و چپه در دفاع از حقوق حقه مردمش در جنگهای تحمیلی منحرفین از اسلام و انحصار گرایان با سر بلندی و افتخار، سریع و پیرشتاب گذر نموده که مادرین مقال صرفاً " بخاطر اینکه یادواره ای داشته باشیم، ضمن عرض تبریک چهارمین سالگرد و موافقیتهای آن بمشتاقان و مسئولان این حزب، بطور خلاصه و مختصر به تشریح مواضع و دست آوردهای آن بخصوص بعد از پیروزی انقلاب اسلامی افغانستان می پردازیم . در صفحه ۲

میهن ما را و هابی ها و عمالشان برباد می کنند

صفحه ۸

تازه ترین اخبار از کابل، دید و بازدیدها

نقض آتش بس توسط نیروهای اتحاد سیاف در تاریخ ۲۵ آذر ۱۳۷۲ .

استاد مزاری خواهان همبستگی احزاب اسلامی پاکستان شد .

معاونین و روسای وزارتخانه های دولت اسلامی افغانستان با استاد مزاری ملاقات کرد .

تد ویرالین سمینار بازگشایی بخاطر مکاتب مراکز فرهنگی در غرب کابل .

دگر جنرال خداداد خان هزاره و جنرال ظفیری از مردم شریف هزاره کوئته بازدید کردند .

دگر جنرال حسام الدین قوماندان فرقه ۸۰ - جنبش ملی با استاد مزاری دیدار و گفتگو کرد

معین وزارت تعلیم و تربیه با استاد مزاری ملاقات نمود .

صفحه ۱۰ و ۱۱

مختصری از زندگینامه شهید اسماعیل مایلو

صفحه ۱۲

تشیع افغانستان در گذر تاریخ

صفحه ۴

آنچه درین شماره میخوانید

- ۱- حزب وحدت اسلامی در آستانه
- ۲- اربعین عاشورای حسینی
- ۳- پنجمین سالگرد شهادت عارف حسین
- ۴- نگاهی بر شخصیت معنوی و روشی
- ۵- میهن اسلامی ما را و هابی ها و
- ۶- تازه ترین اخبار از کابل و
- ۷- مختصری از زندگینامه شهید مایلو
- ۸- تشیع افغانستان در گذر تاریخ



حزب وحدت اسلامی در استان چهارمین سالگرد

۱- در عرصه های سیاسی:

حزب وحدت اسلامی در ساحه سیاسی مؤه فقیهت های چشم گیری را بدست آورد و از رشد و بالندگی روز افزونی نیز برخوردار است و این مؤه فقیهت از آنجانبی می شود که رهبران این حزب از بدو تشکیل آن تا کنون بطور مداوم مواضع ثابت و استوار داشته که بر مبنای منافع مردم و مصالح علیای کشور و انقلاب اسلامی پایه ریزی شده، چنانچه این ادعا را میتوان از نظریات و مطالبات رسمی این حزب بدست آورد، این حزب در کلیه محافل سیاسی تحت هر شرایطی در حوادث تلخ و شیرین و مسالمت آمیز و خونین، خواهان حل مسایل و پیرایلمها از راه اصولی و معقول بوده و است که عمده تا شرح ذیل است.

۱- تقسیم عادلانه قدرت سیاسی کشور در تمام ابعاد آن بر اساس معیار نفوسی و سهم داشتن همه ملیتها.

۲- تغییر سیستم و ساختار اداری دولت که در سابق انحصاری و ظالمانه بوده که باعث عقب ماندگی و محرومیت ملت ها قرار گرفته.

۳- سهم داشتن حزب وحدت اسلامی در تصمیم گیریهای تعیین سرنوشت کشور.

۴- حزب وحدت اسلامی که جمعیت کثیری از کشور را تشکیل میدهد و مذهب تشیع که پیروان وافر در کشور دارد باید مذ هب جعفری همانند مذ هب حنفی رسمی باشد.

۵- حل بحران از طریق مذاکره و مفاهمه صورت گیری نه از طریق جنگ و زور آزمائی چون حزب وحدت اسلامی معتقد است که قضیه از طریق تحمیل جنگ و خونریزی قابل حل نیست لذا طرح چهار جانبه ای را که با توجه به واقعیت های عینی ترتیب یافته و بیتمامی ملیتها ساکن در کشور حق تعیین سرنوشت داده، ارائه نموده است.

۶- حزب وحدت اسلامی در همه جنگهای که تا حال بوقوع پیوسته کاملاً در موضع دفاع از مردم خود قرار داشته و این مسئله بر هیچکس پوشیده نیست که دیگران حزب وحدت اسلامی را در دولت موقت نظر انداز کرده بود و قبل از اینکه جایگاه حزب وحدت در دولت مشخص شود دست به تصفیه و خلع سلاح نیروهای رژیم حزب در کابل زدند و مدخواستند همان تصمیم غلط شانرا که در پیشاور گرفته بودند و آن اینکه حزب وحدت اسلامی را که تنها نماینده شیعیان افغانستان است در دولت با اصطلاح اسلامی همانند رژیم های گذشته سهیم سازند، عملی نمایند که این عمل زشت و محاسبات غلط آنها قابل تطبیق نبود، زیرا اولاً بیش از ۵۰٪ مردم شهر کابل را مردم ما و متعهد بن بحرب وحدت اسلامی تشکیل میداد و ثانیاً مردم ما از رشد فکری و بیداری سیاسی در حد اعلی برخوردار-

بودند، این بود که جنگ هزار مردم ما تحمیل کردند تا مردم ما از کابل بیرون نمایند و لسی، نیروهای رژیم حزب وحدت اسلامی مجبور بوده و است تا در دفاع از مردم خویش قرار داشته باشد، بنا " کدام مطالبه و مواضع حزب وحدت اسلامی برخلاف موازین شرعی و قوانین بین المللی و حقوق اجتماعی بوده است؟ حجت الاسلام والمسلمین استاد مزاری دبیر کل حزب وحدت اسلامی طی یک بیانی فرمودند " ماسلطه بر دیگران را نمیخواهیم، ما میخواهیم هر چه دیگران در محدوده خود میکنند با ما نیز همان شود "

اینکد امروز حق کم کم نمایان گردیده طرفهای درگیر و مجامع بین المللی تا حدی درک کرده اند و پذیرفته اند که حزب وحدت اسلامی نه تنها قابل تجرید نیست بلکه عنصری است که بدون حضور آن در دولت آینده افغانستان ایجاد امنیت و ثبات در کشور ناممکن است لذا موقعیت سیاسی حزب وحدت اسلامی بمثابة یک حزب نیرومند سیاسی، نظامی تثبیت گردیده، اما اینکه بار هم از شخص و اشخاص گرفته تا احزاب و سازمانهای سیاسی و کشورهای منطقه و جهان این سهامست و مردانگی را ندارند که بگویند حزب وحدت اسلامی افغانستان خواسته های برحقش داشته، جنگها بران تحمیل شده و در رابطه بحل بحران نظرنیکی داشته، این مسئله بر مکرر در ملاحظات منافع شخصی و ملی آنها، امامابه این مسئله اعتقاد داریم که حق سرانجام پیروز است بالاخره همه خواهند پذیرفت، چنانچه آرامش نسبی کابل نوید پذیرش این حقیقت هار امید دهد.

لذا حزب وحدت اسلامی نه تنها توانسته بنحو احسن در تثبیت حقوق حقه ملت مظلوم تشیع گامهای موثری را بردارد، بلکه در دفاع از حقوق ملیتها محروم دیگر نیز موفق بوده.

۲- در عرصه های نظامی:

نیروهای جهادی و رژیم حزب وحدت اسلامی این افتخار را دارد که از جمله آغازگران انقلاب اسلامی بوده و در طول ۱۴ سال جهاد دین خود را در برابر وطن و ملتش بخوبی ادا نموده و در سرنوشتی رژیم نجیب سهم موثر داشته و بالاخره از حریم مقدس مردم خویش در طول یکسال و چند ماه جنگهای تحمیلی متعصبین و انحصارگرایان خوب دفاع کرده است هم اینک نیروهای نظامی حزب وحدت برتری و قدرتمندی خود را در برابر نیروهای مخالف تثبیت نموده و بمثابة یک اردوی منظم قرار گرفته است.

۳- در ساحه فرهنگی:

حزب وحدت اسلامی از ابتدای شکل گیری اش توجه خاصی به مسائل فرهنگی داشته که امروز بحمد الله دهها جرییده و نشریه بمنظور بالا بردن سطح آگاهی جامعه خویش و در دفاع از خواست های مشروع مردم

اش در سطح مطبوعات جهان بوجود آورده و - در فعال ساختن مکاتب و دانشگاهها - در داخل کشور نیز اقدامات خوبی بعمل آورده، منجمله در فعال ساختن دانشگاههای مزار شریف نقش مهمی داشته و امیدواریم در بن راستان تلاش بیشتری انجام پذیرد زیرا یکی از عمده ترین مشکل و عقب ماندگی مردم ما همین است.

۴- بسط و تحکیم حزب وحدت اسلامی:

این يك واقعبیت انکارناپذیر است که حزب وحدت اسلامی بر اساس خواست و اراده اکثریت قاطع مردم ما انهم از قلب افغانستان و سنگرهای جهادی تشکیل یافته و تنها حزبی در افغانستان که افتخار تشکیل خود را در داخل کشور دارد حزب وحدت اسلامی است و به همین جهت و اینک که این حزب توانسته در تمام ابعاد بگونه بسیار معقول و با در نظر داشت شرایط زمانی و واقعیت های عینی برخورد نموده و در جهت تاءمین آرمانها و آرزوهای مردم محروم خویش گامهای مؤثری بردارد، لذا به همین دلیل است که تمامی اقشار جامعه هزاره و تشیع از هر صنفی که بوده عاشقانه از این حزب محبوب شان بعنوان مختلف پشتیبانانی نموده و مینمایند که نمونه بارز آن مردم رُجر دیده غرب کابل است که همه هستی خود را در حمایت از حزب محبوب شان در طبق اخلاص گذاشته و همچنین میتوان از احساسات پاک، جوش و خروش مردم ما در کویته بلوچستان و مهاجرین دلسوخته مان در ایران، دانشجویان و تحصیلکرده ها در اروپا و امریکا و ۰۰۰ که از استقبال پر شور از شخصیت های شان گرفته تا کمک های مخلصانه قابل توجه مادی و دفاع در سطح مطبوعات جهان نام برد.

اکنون که در استان چهارمین سالگرد تشکیل حزب وحدت اسلامی قرار داریم روند حمایت و پشتیبانی مردم بی نظیر است و امیدواریم مسئولین حزب با درک عمیق این پشتیبانی بیش از پیش در جهت تحقق آرمانها و اهداف این مردم شریف و قدر شناس شان کام برسد.

پایان

تدویر اولین سمینار بازگشائی بخاطر مکتب و مراکز فرهنگی در غرب کابل

اولین سمینار بخاطر بازگشائی مکتب غرب کابل بعد از ظهر روز پنجشنبه ۲۱ آذر ۷۲ به حضور وزیر تعلیم و تربیه و آقایان محتسرم صادقی پروانی، عالمی بلخایی و تعداد زیادی از نمایندگان احزاب سیاسی، جهادی، معلمین و محصلین در تالار ریاست اول خاد (سابق) - تدویر یافت و طی آن راههای عملی بازگشائی مدارس بررسی شد.

این سمینار به ابتکار کمیسیون فرهنگی حزب وحدت در کابل داور و در آن وزیر تعلیم و تربیه حضور داشته که از این اقدام حزب وحدت تشکر نموده

دگر جنرال حسام الدین قوماندان فرقه ۸۰ جنبش ملی اسلامی بتاريخ ۱۹ آذر ۷۲ با استاد مزاری دیدار و گفتگو نمود، درین دیدار گزارشی از وضع امنیتی شهر کابل با استحضار استاد مزاری رسید و طرفین برای صلح و امنیت و رعایت جدی آتش بس در سطح کابل تاکید بعمل آوردند.

اربعین حسینی

روز بیستم ماه صفر مصادف است با روز اربعین عاشورای حسینی، اربعین سیدالشهدا علیه السلام در فرهنگ تشیع از جایگاه ویژه و بلند برخوردار است در باره زیارت اربعین امام حسین (ع) حدیثی از امام حسن عسکری پیشوای معصوم امام یازدهم شیعیان نقل شده است که اهمیت و ارزش زیارت اربعین را روشن مینماید، امام علیه السلام زیارت اربعین را یکی از علائم ایمان مؤمن خوانده است که ترجمه فارسی آن حدیث شریف چنین است: مؤمن پنج علامت دارد.

- ۱- در شبانه روز پنجاویک رکعت نماز خواندن
- ۲- در وقت سجده پیشانی را بر خاک نهادن
- ۳- انگشتر در دست راست کردن
- ۴- بسم الله الرحمن الرحیم را به صدای بلند گفتن

۵- زیارت اربعین امام حسین (ع) را انجام دادن که هر یک این علائم پنج گانه که در این روایت آمده قابل توجه و بررسی است که بسیار فشرده و کوتاه توضیح داده میشود.

نماز در فرهنگ اسلام و قاموس شیعه و آیات قرآن کریم جایگاه خاص دارد که به اتفاق همه محدثین شیعه و سنی رسول اکرم (ص) نماز را راستون دین تعبیر فرموده و تارک نماز را کافر خوانده و کسیکه نماز نمیخواند در شرع مقدس اسلام تعزیر و تعذیب و کیفر دارد باید مسلمان نماز بخواند از کسیکه نماز نمیخواند باید مردم نماز خوان دوری کنند، از معاشرت با فرد بی نماز اجتناب و احتراز کنند، در جامعه اسلامی هر کس نماز نمیخواند مهتوک است و او را فاسق، فاجر و تبیکار تعبیر میکنند آدم بی نماز در محیط اسلامی هیچ ارزش و اعتبار ندارد، مؤمن متعهد از او دوری می ورزند تنفروا نزار خود را از او ابراز میدارند نمازهای واجب یومیه که باید هر مردوزن مکلف بخواند هفده رکعت است که اگر ترک شود نباید قضا بخواند و در هیچ حالتی و گرفتاری حق ترک آن و نخواندن آن داده نشده است، نوافل زیاد است هر کس هر چه بیشتر بخواند ثواب بیشتر گنیزش می آید، منظور حضرت امام حسن (ع) از پنجاویک رکعت نماز فریضه یومیه و نافله یومیه است که ذیلاً تشریح میشود، فرایض ۳ رکعت صبح ۴ رکعت ظهر ۴ رکعت عصر ۳ رکعت مغرب ۴ رکعت عشا که در مجموع ۱۷ رکعت میشوند که حتماً هر مسلمان در اوققات پنجگانه بخواند که شیعیان نماز پنجگانه را بصورت جمع بین ظهر و عصر و مغرب و عشاء و صبح در سه وقت میخوانند ولی نوافل یومیه قرار شرح ذیل است، نافله ظهر ۸ رکعت نافله عصر ۸ رکعت نافله مغرب ۴ رکعت نافله عشاء دو رکعت نشسته، نافله صبح ۲ رکعت جمعا ۲۴ رکعت نافله شنب ۸ رکعت نماز شفع ۲ رکعت و نماز وتر ۲ رکعت جمعا ۱۱ رکعت جمع کل ۱۷ و ۲۴ و ۵۲ رکعت چون نافله عشاء دو رکعت

نشسته است انهم یک رکعت حساب میشود که فرایض و نوافل شیاروزی (۵۱) رکعت میشود، امام حسن عسکری (ع) میفرماید یکی از علامات مؤمن نماز (۵۱) رکعت یعنی فرایض و نوافل را خواندن است که در صورت فرصت و قدرت نمازهای نافله را هم بخواند.

دوم - تعفیر جبین پیشانی را در وقت سجده بخاک گذاشتن بامنتهای حالت خضوع و عبودیت خدای سجده کردن و بعنوان عبودیت در پیشگاه خالق جهان سربه سجده روی خاک گذاشتن است که نهایت انکسار و شکستگی را در مقابل معبود نشان میدهد، آیات قرآن در مدح سجده زیاد است که تعبیریه (و بسجدونه) -

دارد، شیعیان سجده را بر هر روض یعنی زمین صحیح میدانند، بر چیزهای خوردنی، پوشیدنی و فرش و زمین مثل احجار کریمه و معدنی جائز نمیدانند، روی این حساب است که شیعیان مهر از خاک همیشه با خود دارند که در روی فزش پاک میگذارند و خدایا بر آن سجده میکند و معمولاً "مهر را از خاک کربلای معلی درست میکنند که معتقد هستند خاک مقدسی است و یادآور حماسه خونین شهادت امام حسین ع است و همیشه روحیه حماسه و مقاومت و شهادت ازان خاک احساس میگردد و برای یگردد شیعه خاک سرزمین هم الهام بخش است.

سوم - علامت مؤمن انگشتر در دست راست کردن است خود انگشتر در انگشت دست داشتن سیره انبیاء است، انگشتر حضرت سلیمان معروف است، پیامبر اسلام انگشتر در دست راست داشت همه امام های معصوم انگشتر داشتن که نقش نگین آنها کلمات طیبه (لا اله الا الله، بالحق المین و...) در نگین انگشتر کلمه مقدسه حک بوده حالا این چه فلسفه دارد مجال بحث آن نیست، ولی اینکه در دست راست باشد چون سیره رسول الله (ص) و امیرالمؤمنین علی ابن ابیطالب (ع) بوده است معروف است که امویان برخلاف سیره و سنت رسول اکرم انگشتر را در دست چپ میکردند.

چهارم - علامت مؤمن بسم الله الرحمن الرحیم، را بصدا یا چهره ببلند خواندن است چون مسلمان در هر کار بسم الله میگوید و شعار اسلامی است، شعار توحید است چه بهتر است که این شعار جهر را خوانده شود که همیشه شعور دهند باشد.

پنجم - از علامات مؤمن زیارت اربعین ابی عبدالله الحسین انجام دادن است از ائمه معصومین (ع) روایات زیاد در فضل و ثواب و ارزش زیارت اربعین رسیده است و در روز اربعین شهادت امام یعنی چهل روز بعد از شهادت سید الشهداء اولین را اثر قریش زیارت مرقد مطهرش آمد، دونفر از بزرگان اسلام یکی جابر بن عبدالله انصاری که از چشم نابینا شده بود همراه عطسیه عوفی که از علمای عصر خود و حافظ قرآن بود زیارت قبر امام حسین (ع) رسیدند و جابر برای زیارت قبر امام حسین (ع) از مدینه منوره حرکت کرده بود چون نابینا بود از مسلمانان

مخلص دیگر که معتقد به امامت امام حسین (ع) و واقف بمقام و منزلت سیدالشهدا بود کمک گرفت و همراه ایشان راه مدینه و کربلا به یاحجاز و عراق راطی کرد، چون از رسول اکرم شنیده بودند شهادت امام حسین (ع) و ثواب زیارت قبر امام حسین دارد، وقتیکه وارد کربلا شد در آب فرات غسل کرد و لباس هایش را تبدیل بلباس تمیز و نو کرد و با طهارت جانب قبر امام حسین (ع) روانه

شد، آمد سلام نامه خواند، آمد بمقام امامت حسین (ع) اعتراف کرد، در زیارتش از کسار نامه حسین تقدیر کرد، قیام امام حسین ع راستود، عرض کرد ابی عبدالله مکتوب مبارزه با ظلم را توتوا سیس کردی، تورا را برای حق طلبان و حق جویان و تشنه گان عدالت راهنمایی کردی، صادر ابی عبدالله راه حریت را شمارفتید و برای همه بشریت راهنمایی کردید که انسان را و آدم آزاد را - شهادت برایش سعادت است و زندگی با خفت و تسلیم در مقابل ظلم و زور برایش ذلت است، مسلم است که قیام امام حسین علیه السلام فرزند زهرا، نوه رسول خدا در برابر ظلم، فساد، فحشا و منکرات که بیزید راه انداخته بود و بنام خلیفه مسلمین این عمل را داشت انجام میداد، سرفصل همه قیام های حق طلبانه گردید و زیارت قبر امام حسین دانشگاه فضیلت ساز شد که شاگرد های بافضیلت تربیت کرد و صد هاسال هزاران انسان مؤمن را به کربلا کشانید و روح ایثار و فداکاری دورا خدایا در راه عدل، در راه حریت را به ایشان احیا کرد و ۰۰۰۰ در همان روز که جانرا آمد اهل و عیال امام حسین (ع) را که در اسارت گرفتار و در شام برده بودند که خواهبران امام حسین (ع) و فرزندش امام چهارم شیعیان در جمع آنها بود وارد کربلا شدند و اولین روزی بود که زوار وارد کربلا حسین شد و روز افتتاح زیارت قبر امام حسین (ع) گردید که روز بروز مشتاقان از جهان رو آوردند که تاحال سال بسال افزوده میشود و باعث احیاء و حفظ اسلام گردید، در اینکه کدام اربعین بوده اربعین سال اول یا دوم مشخص نیست و زیارتنامه اربعین که از معصوم رسیده است محتوی و معنای جالب دارد که مجال تفصیل آن نیت در اخبار توفیق رفتن راه حسین (ع) را برای پویندگان حقیقت ارزودارم. پایان

بقیه از: زندگینامه شهید مائیلو

مردم آهسته آهسته خود را درین کار خیر شریک نمود و آنرا تقویت بخشید. سازمان مرگ مافیای وقتی جهاد شهید مائیلو را موعظ شریافتند شروع به کار نموده و روزانه باتیلیفون ویرانه ها را مینمودند که شفاخانه تداوی معتادین را بسته نماید و جهادش را علیه هیروئین فروشان متوقف سازد ولی شهید مائیلو با کمال شجاعت و مردانه گسی به کارش ادامه داد تا اینکه ۱۱ ماه مئیلی ۱۹۹۰ م سازمان درگ مافیای توسط قاتل حرفه ای ایشان را به شهادت رسانید. روحش شاد و یادش گرامی باد



تشیع افغانستان در گذر تاریخ

عنوان فوق متن سخنرانی برادر الحاج نظری مسئول کمیسیون فرهنگی دفتر کوبته حزب وحدت اسلامی است که در سمنار " نقش تشیع در جهاد افغانستان " ایراد شده که در تاریخ ۲۱ اردیبهشت ۱۳۷۲ از طرف سازمان دانشجویان امامیه (ای، ایس، او) در جریان اجلاس عامله شان دایر شده بود.

بسم الله الرحمن الرحيم

درود بروان پاک و مطهر تمامی شهدای اسلام
 اخما " شهید عارف حسین الحسینی رهبر
 وقائید عظیم الشان ملت جعفریه پاکستان
 و شهدای مظلوم و گمنام افغانستان .

درود به ارواح مطهر حضرت امام خمینی (ره)
 آن یگانه رهبر جهانی اسلام که در قرن معاصر
 به اسلام و مسلمین حیات تازه ای بخشید .

حضار محترم ، علمادانشمندان و مخصوصاً
 دانشجویان عزیز که امید فر دای جهان اسلام
 هستید السلام علیکم ورحمت الله وبرکاته .
 اجازه دهید قبل از همه از مسئولین
 مرکزی و مسئولین بلوچستان سازمان امامیه
 صمیمانه تشکر نمایم که با روحیه اخوت
 و برادری علاقه مندی و دلچسپی نشان دادن تا
 وضعیت جامعه مظلوم تشیع افغانستان
 در این جلسه عظیم و باشکوه مطرح شود، لذا
 عرایض بنده تحت عنوان :

" ملت تشیع افغانستان در گذر تاریخ "

خواهد بود که به چهار قسمت تقسیم
 میگردد .

قسمت اول : نگاهی به تاریخ گذشته تشیع
 افغانستان .

قسمت دوم : نقش تشیع افغانستان در دوران
 جهاد ۱۴ ساله علیه ارتش سرخ
 و بقایای اشغال .

قسمت سوم : وضعیت و مبارزات حق طلبانه
 تشیع افغانستان پس از سقوط
 رژیم مارکسیستی در کابل .

قسمت چهارم : ضرورت تعاون و همبستگی
 مسلمین و اخما " تشیع
 در سطح منطقه و جهان .

الف : نگاهی به تاریخ گذشته تشیع
 افغانستان .

جامعه تشیع افغانستان به گواهی تاریخ
 و شهادت علائم و آثارهای بدست آمده
 و مگشوفه اولین و قدیمی ترین ساکنین این
 کشور بوده که عمدتاً " در نواحی مرکزی
 و کوهستانی افغانستان که بنام هزاره جات -
 یاد میشود سکونت دارند، علاوه بر آن تقریباً
 در تمامی ولایات افغانستان حضور چشم گیر
 و قابل توجهی دارند بخصوص کابل پایتخت
 افغانستان که بیشتر از نصف جمعیت آنرا
 شیعیان تشکیل میدهد، اما در دقتی از تعداد
 جمعیت تشیع حتی کل جمعیت کشور
 در دست نیست ولی با توجه به آمارهای
 بسیار قدیمی دولت های سابق و تخمینات
 سازمان ملل و احزاب جهادی حدمیانگین
 جمعیت تشیع افغانستان را بین ۲۵ تا ۳۵-
 درصد کل جمعیت افغانستان اعلام مینماید

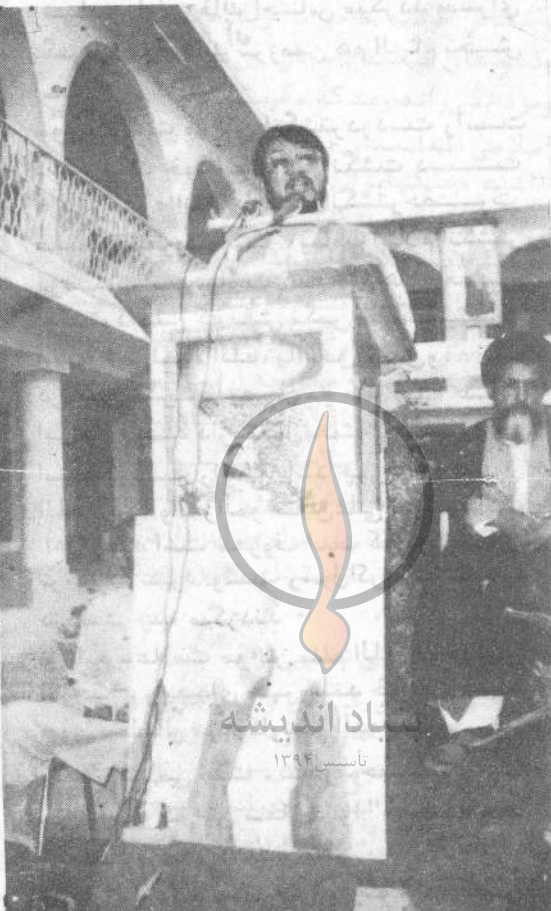
" شاهی بیگ یا شیگد شیبانی (۴۰) هزار
 کسی را در جنگ غرجهستان برد و شکست خورد
 و از آن جمله (۴) هزار کس باقی ماند " که این
 واقعه در حدود ۵۰۰ سال قبل بوقوع پیوسته .

جامعه تشیع افغانستان از نظر
 فرهنگ و تمدن غنی و در حد بالا و در خور توجهی
 قرار داشته ، تاریخ نویسان به استناد آثار
 باستانی ای که در کتب های شان درج است
 در قطار تمدن ترین مردم عصر و زمانش قلمداد
 مینمایند ، علما و شعرا ای بی شماری درین خطه
 پرورش یافته ، استاد حاج کاظم یزدانی مورخ
 شهرت تشیع افغانستان در کتاب (تاریخ
 تشیع در افغانستان) مینویسد که : " شخصی
 بنام ملاه موسی یکی از علمای شایسته شیعیان
 در سنه ۱۰۵۶ هـ م و ۱۰۵۶ هـ م کهن ترین کشف
 الایات قرآن کریم بوده است . "

اری ملت جعفریه افغانستان بطوری
 که اشاره شد در تمامی قیامها و مبارزات ضد
 استعماری این کشور و همچنین در سازندگی
 و آبادانی آن سهم فعال داشته و دارنده
 امامت ، سفانه با همه آنهاهمه ایثار ، فداکاری
 صداقت و خلوص نیت از (۲۵۰) سال
 اینطرف بخاطر تعصبات شدید مذ هبی
 و نژادی و لسانی که از سوی حکام دست نشانده
 اجنبی اعمال گردیده مردم ما از لحاظ های

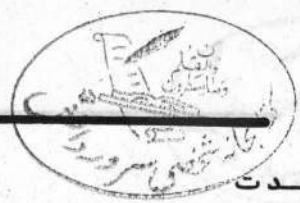
فرهنگی و اقتصادی شدیداً " تضعیف گردیدند
 و انهمه افتخارات ذیقیمت و باستانی در دل -
 خاک مدفون شده و از لحاظ اقتصادی " غرق
 در غرقابه ، رنج و محرومیت " قرار گرفته
 همچون درخت پربار سر بر زمین کرنش نموده
 است ، ادامه ظلم و استبداد باعث شده که
 بسیاری از سرزمینهای خود را نیز از دست داده و
 در ادارات دولتی کوچکترین سهمی به اینان
 داده نمیشد ، علیرغم چنین فشارهایی این
 مردم استقلال فکری ، فرهنگی و اصلیت
 مذهبی خود را حفظ نموده که یکی از افتخارات
 و شاخصه های بلند این جامعه بحساب می
 آید ، مورخین مینویسد که " در سال (۱۸۳۹)
 ژمانیکه انگلیس ها با ۵۴ هزار نیرو وارد
 افغانستان شد جامعه تشیع با تمام قوا و قدرت
 در بیرون راندن آن وارد گردیده ، ضربات
 کشنده و مهلکی به استعمار پیر انگلیس
 وارد ساخت ، اما ژمانیکه بار دیگر انگلیسها
 از طریق چهره های ناپاک و سفاک تاریخ
 همچون عبدالرحمن خون اشام وارد این کشور
 گردید بخوبی از ملت ما انتقام گرفت .

در حدود یکصد سال قبل همینکه امیر
 عبدالرحمن خان به پشتیبانی انگلیسها
 غاصبانه قدرت سیاسی را در افغانستان بدست
 گرفت بدستور انگلیسها جنگ نابرابری را علیه
 شیعیان آغاز کرد و این جنگ در حدود ۷ سال
 و اندی دوام کرد سرانجام ۶۲ درصد از شیعیان
 ماقتل عام شدند ، درین میان یکی از مرزهای
 موفقیت دشمنان مادرین حوادث و طوفان واگیر
 صدور فتوای کذائی مولوی های درباری وقت
 بوده که همانند فرعون که علیه حضرت موسی
 علیه السلام اعلام جرم میکرد و خطاب بمردم
 احمق اطرافش میگفت که " مبادا موسی بدین
 شمالطمه بزند " و یامانند قاضی شریح که فتوا
 قتل خاندان پیامبر (امام حسین ع) را صادر
 کرد و انچنین نمونه های در تاریخ زیاد
 ←



بنیاد اندیشه
 تاسیس ۱۳۹۴

ملت جعفریه افغانستان
 همانطوریکه عرض شد از قدیمی ترین ساکنین
 این سرزمین بوده که در گذشته دور دورتر
 دارای عظمت و اقتدار خاصی بوده و قدرت های
 سیاسی ، نظامی متعدد و مهمی را تشکیل داده و
 با برهم زده است ، چنانچه اکثر مورخین
 از مقاومت و جنگهای خونین این مردم در برابر
 هجوم چنگیز خان ، اسکندر یونانی و کوروش
 هخامنشی یاد نموده تسریع مینمایند که
 فاتحین مسلمان در سرزمین وسیع شبه قاره
 هند نیز از همین مردم بوده است ، تاریخ
 عالم آرای صفوی در صفحه ۲۸۲ مینویسد .



داریم که پاپ های مسیحی در اروپا کالیله دانشمند و ۰۰۰ رابه بهانه ارتداد از پای در آوردند، متأسفانه این شیوه در کشور ما افغانستان نیز بار بار تکرار شده است ولی در عصر حاضر این سلاح کهنه و زنگ زده چندان کارائی ندارد چرا که مردم افغانستان چه شیعه و چه سنی به این مقداری از رشد فکری رسیده اند که اهداف و مقاصد صدور چنین فتوای کذائی را درک کنند و بان واقعی نگذارند .

آری تا اینجا از میان دود و تلخی روزگار و از لابلای حوادث و وقایع آنچه که نمایان میگردد، ظلم، بیدادگری، غداري، سفاکی حق کشی ای که علیه ماصورت گرفته و در عین زمان شهامت و مردانگی، مقاومت، ایثارگری و مظلومیت شیعیان رابه اثبات میرساند .

ب - نقش تشیع افغانستان در دوران - جهاد ۱۴ ساله علیه ارتش سرخ روسیه و بقایای اشغال .

از آنجاییکه جامعه تشیع افغانستان از آن روزیکه کشوری بنام افغانستان شامل جغرافیای سیاسی جهان گردیده از هیچگونه حق و حقوقی بهره مند نبوده و در یک تنگنای مطلق قرار داشت ، وقوع کودتای مارکسیستی در سال ۱۳۵۷ زمینه قیام و از سرگیری مبارزه را میسر ساخت ، بخصوص آنکه کودتاگران - دست به اهانت به عقاید مذهبی مردم زد ، این ملت بسرعت بخود سرو سامان داده انقلاب رهائی بخش و اسلامی را علیه آنان آغاز کرد بجزات میتوان گفت که شیعیان ما از جمله آغازگران انقلاب اسلامی بوده که از نقطه بنام دره صوف شروع شد و بزودی سرتاسر افغانستان را فرا گرفت و در اندک زمانی کلیه هزاره جات شیعه نشین ازاد و توسط خود مردم ، علما و رهبران جهادی تحت اداره قرار داده شد و در طول (۱۴) سال جهاد روسها و دولت کمونستی نتوانست آنرا تسخیر نماید و نیروهای جهادی شیعیان در مرزهای هزاره جات و سائرنواحی باروسهات اسقوط بقایای اشغال جنکید و انقلاب اسلامی رابه پیروزی رساند ، در حالیکه نقاط دیگری که در آن دیگران سکونت داشت اکثراً " تاروژ -

سقوط رژیم همچنان در اشغال باقی ماند لذا اینکه شیعیان ما از جمله آغازگران انقلاب اسلامی بوده وهم توانسته مناطق شانرا در ۱۴ سال با وجود حملات متعددی که بالای آن بعمل آمد ازاد نگهداریدون شك از افتخارات مردم ما بشمارمی آید و این در حالی بود که شیعیان افغانستان در طول ۱۴ سال جهاد از هیچ منبع خارجی کمک موثر مادی و تسلیحاتی دریافت نکرد و ما درین مبارزه با تحمل کوهپایه های مشکلات به تنهایی پیروز و سرخ رویدر آمدیم و امروز با صراحت گفته میتوانیم که منت بردار کسی نیستیم ، حال آنکه غرب و بعضی از کشورهای باصطلاح اسلامی سرمایه و ذخیره های کلانی را در اختیار عده خاصی قرار داده بود ولی ماتکیه بر بازوان توانمند مردم خویش داشته و داریم .

ج - وضعیت و مبارزات حق طلبانه تشیع افغانستان پس از سقوط رژیم مارکسیستی در کابل .

رژیم منفور مارکسیستی در حالی سقوط کرد که بحمد الله شیعیان افغانستان در این مرحله از مبارزاتش بیکی از دیرینه ترین و با ارزشترین ارمانهایش رسیده بود و آن تشکیل حزب وحدت اسلامی میباشد که در برگیرنده تمامی احزاب گذشته و همه شیعیان مظلوم افغانستان است .

شیعیان افغانستان از برخورد رژیم های گذشته و احزاب جهادی در دوره جهاد (۱۴) ساله این تجربه گرانبهار ایدست آورده بودند چنانچه به وحدت که یکی از اصول وارکان اساسی اسلام است نرسند " بار دیگر تاریخ بر سرشان تکرار خواهد شد از اینرو با آگاهی کامل همگی حول یک محور جمع شده " تحت پرچم خون رنگ وحدت از میان اقیانوس خون شناگرانه بیرون آمده و با قامت استوار در برابر زورگویان و قلدوران زیمان ایستادند .

آری " این یک اصل عام ، قطعاً و اجتناب ناپذیر آفرینش است که اتحاد رمز بقا و پیشرفت است و اختلاف را از انحطاط و سقوط "

حضار گرامی !

خداوند متعال راهزاران بارشکر گذاریم که شیعیان مظلوم و محروم مادرین شرایط حساس و سرنوشت ساز متحد و یکپارچه شده حزب وحدت اسلامی را بوجود آورده و آنرا ایینه تمام نما ، جامی و تجلیگاه خود پنداشته پروانه وار بدوران میچرخند ، درین راستا حزب وحدت اسلامی که وارث همه محرومیت های مردمش بوده بعنوان یک قدرت قوی سیاسی ، نظامی ، با پشتوانه وسیع مردمی در صحنه های سیاسی ، نظامی حضور فعال و قدرتمند یافته و آخرین ضربه های مرگبار را از شمال کشور تا چار بیکار و از انجا تا کابل پیکره پوسیده رژیم نجیب وارد ساخت و بیشتر از نصف شهر خونین کابل را در کنترل و قبضه گرفت ، اما درین گیر و دار عده از سران انحصار طلب احزاب جهادی در پیشاور رژیم نظر دایه های دلسوز ترا از مادری یک نشست سری بطور عجولانه بدون حضور داشت طیف وسیعی از نمایندگان مردم و احزاب جهادی بخصوص حزب وحدت اسلامی دولت نام نهاد اسلامی را تشکیل داده و آنسوی مرز پارسل کردند و بدینصورت نفاق ، دوئیت و آتش افروزی را در میان مردم افغانستان عرضه داشتند که دامنه آن تاکنون بیش از یکسال است ادامه دارد .

حضار گرامی !

دولت و بادر حقیقت نفاقی که از پیشاور وارد کابل گردید متوجه شدند بیشتر از نصف شهر کابل تحت کنترل حزب وحدت اسلامی است که در دولت نظر انداز شده درین موقع دو گونه برخورد متضاد صورت گرفت .

۱- آقای مجددی که ظاهراً " ممثل این دولت نام نهاد بود با حسن نیت رسمیا تقاضای شرکت حزب وحدت اسلامی رابه دولت نمود که طی مذاکرات چند بتوافق هائی نیز دست یافتند .

۲- از سوی دیگر متعصبین و انحصار گرایان همینکه متوجه شدند حزب وحدت بیش از نصف کابل را تحت کنترل دارد - منظور بیرون راندن این حزب از کابل جنگ های خونین و ویرانگری را علیه ما براه انداختند که بحمد الله اینک پس از یازده جنگ تمام عیار تحمیلی دشمن نتوانست یکدگامی هم مؤهفقت بدست بیاورد ، بلکه برعکس شکست های مفتضحانه ای را نصیب شدند ، آوازه ، شهرت و قدرتمندی حزب وحدت اسلامی " از فراز چندین قاره دنیا گذشت ، فریاد های خشم آلود و غضبناک مجاهد مردان و مدافعین حق و عدالت گوشهای کروجشم های کور را در آنسوی جهان باز کرد و آنانیکه هرگز نمیخواستند پیروان صدیق حضرت علی (ع) درین کشور به چنین وضعیتی برسند ، بناچار لب به تحسین کشوده اعتراف کردند که این مردم و این حزب نظر انداز شده نمیتواند و قبول کردند که حزب وحدت اسلامی " در معادلات داخلی از نظر سیاسی و توانمندی نظامی عنصری است که بدون حضور و موافقت آن در ساختار سیاسی حاکمیت ، استقرار حکومت و ایجاد ثبات و امنیت با دوام امکان پذیر نیست . "

شایان ذکر است که درین جنگها گر چند روی پرده ابتداتنها اتحاد سیاف بود و بعد هم شورای نظار جمعیت بمیدان آمد و علیه مامی جنکید ، اما در واقع تمام عناصر فتنه جو در اکثریت تنظیم های جهادی درین ماجرا هاینحوی دست داشتند .

حضار محترم !

حزب وحدت اسلامی افغانستان بیه نمایندگی از جامعه تشیع تحت رهبری و قیاد خردمندانه مسئولین دلسوزشان که در اسان مجاهد کبیر استاد عبدالعلی مزاری دبیر کل این حزب قرار دارد هیچگاه درین کشور خواهان جنگ و خونریزی نبوده ، بلکه خواهان حل بحران و اختلافات از طریق مذاکره و مفاهمه بوده ولی طرفهای مقابل علیرغم تعهدات متعدد ، پیمان شکنی نموده گاهی با زور متوسل میشود و گاهی هم به نیرنگها و طرفند های سیاسی ، از جانب دیگر حزب وحدت اسلامی مطابق اعلامیه حقوق بشر و مواد کنوانسیون بین المللی ، آزادی انتخابات حق زنها ، عدالت اجتماعی در تقسیم قدرت سیاسی ، نظامی را میخواستند اما دشمنان قسم خورده ملت مادر برابر این خواسته های معقول جنگهای خانمانسوزی را بر ما تحمیل مینماید ، آنها تحمل وجود ما را نداشته اما ملت مظلوم ما همانند کوه استوار و مقاوم در صحنه حضور دارد و همین مقاومت و مردانگی باعث شده است که دشمن از زوهای ناپاکش رادرگور خواهد برد انشالله .

د - ضرورت تعاون و همبستگی مسلمین و اخما " تشیع در سطح منطقه و جهان .

اگر بدقت بیشتر اوضاع منطقه و جهان را مطالعه و بررسی نمایم این نتیجه بدست می آید که مسلمین و اخما " شیعیان مظلوم منطقه و جهان تحت فشار سنگینی قرار داشته



استاد محقق افشار

نگاهی بر شخصیت

آلوده نکشت ولی در میان چنان مردمی بود و بهیچوجه زندگی عادی وی چنان آلوده شگفت انگیز نشان نمیداد و راستی از بیستی تهیدست، درس نخوانده چشم و گوش بسته باور کردنی نبود.

پیغمبر اکرم (ص) روزگاری را بهمین وضع گذراند ناشی از شباهت با همان آرامش ضمیر و ذهن خالی مشغول عبادت بود بطور ناگهانی شخصیت دیگری یافت.

شخصیت درونی خاموش وی بیگ شخصیت آسمانی تبدیل شد، افکار و عقاید هزاران ساله جامعه بشری را خرافاتی دانست و روش

و آئین جهانیان را با واقع بینی خود ظالمانه و فاسد دید گذشته و آینده جهان

را با هم پیوند داد، راه سعادت بشر را کاملاً تشخیص داد، چشم و گوش وی بکلی عوض شد

چو حقیقت ندید و نشنید و زبانش بسخن خدائی و گفتار آسمانی و حکمت و موعظت باز

شد و روحیه درونی او پیر و پال باز کرده بهدود اصلاح جهان و جهانیان و واژگون ساختن

سازمان هزار ساله گمراهی و ستمگری بشر برآمد و برای احیای حق و حقیقت یک

و تنهاقیام نمود، در معارف الهیه سخن گفت و همه حقایق هستی را از یگانگی

آفریدگار جهان استنتاج کرد، اخلاق عالییه انسانی را با بهترین وجهی تشریح فرمود

و بهر چه مردم را فرامیخواند اول خودش عمل میکرد، شرایع و احکامی آورد که مشتمل بر

بیک سلسله عبادت ها و پرستشهایی است که با زیباترین صورتی مقام پندگمی را در برابر

عظمت خدای یگانه نشان میدهد قوانین دیگر حقوقی و جزائی آورد که با هم دیگر

ارتباط کامل دارد و بر اساس توحید و احترام اخلاق عالییه انسانی استوار است.

مجموعه قوانینی که آن حضرت آورده است اعم از عبادات و معاملات چنان وسیع

و دامنه دار میباشد که بهمه مسائل زندگی فردی و اجتماعی که در جهان بشریت می

توان فرض کرد و نیاز مندیهای گوناگون که با گذشت زمان پیش می آید رسیدگی

کرده دستور تشخیص میدهد.

آن حضرت قوانین دین خود را جهانی و همیشگی میدانند یعنی معتقد است که

دین وی میتواند نیاز مندیهای دنیوی و اخروی همه جامعه بشری را برای همیشه

رفع نماید و مردم باید برای تاءمین سعادت خود همین روش را انتخاب نمایند

میفرمود "لقد جئتكم بخير الدنيا والاخره" یعنی دینی که من آورده ام ضامن

سعادت و خوشبختی دنیوی و اخروی شماست.

البته پس از بررسی آفرینش و پیشینی آینده جهان انسانیت، باین نتیجه رسیده و به

عبارت دیگر او را "توافق و هماهنگی کامل را میان قوانین خود و آفرینش حسمی و روحی

انسان شناخته است و ثانیاً "تحولاتی را که در آینده واقع خواهد شد و صدماتی که جامعه

مسلمانان خواهد رسید بطور کلی در نظر گرفته

بعداً حکم بدوام و ابدیت دین خود نموده است. پیشگوئی هائی که از آنحضرت با

مدرک قطعی به ما رسیده اوضاع و احوال عمومی را پس از رحلت خود تا زمانهای دوری تشریح

کرده است او این همه کار را در مدت (۲۳) سال انجام داد که (۱۳) سال آن را در زیر شکنجه

و آزار طاقت فرسای کفار که گذرانده و ده سال آنرا هم با جنگ و لشکر کشی و مبارزه خارجی

با دشمنان علنی و مبارزه داخلی با منافقان و کارشکنان و اداره امور مسلمانان و اصلاح عقاید

و اخلاق و اعمال آنان و هزاران گرفتاری دیگر بسر برد، آنحضرت این همه را با بیگ تمهیم

خلل ناپذیر که به پیروی حق و زنده کردن آن داشت پیمود، آنچه راجح دانست از جان

و دل پذیرفت و رد نکرد و آنچه باطل بود روگرد و هرگز نپذیرفت.

شخصیت روحی آنحضرت

اگر با نظر انصاف تا ملکنیم، تردید نخواهم داشت در اینکه پیدایش چنین شخصیتی در

چنان اوضاع و شرایط جز خرق عادت و اعجاز نبوده است و بجز تائید خاص خداوندی سببی

نداشته است و از این روی خدای متعال در کلام خود قرآن کریم بارها از امری بودن و بتیمی

و تهیدستی پیشین آنحضرت یاد آوری میکند و شخصیتی را که بوی عطا فرموده بک معجزه

آسمانی شمرده با آن به حقانیت دعوتش احتجاج میفرماید (سوره ضحی آیه ۸) و سوره عنکبوت آیه ۴۷ و سوره بقره آیه ۲۳ را مطالعه

و بررسی فرمائید.

سیرت پیامبر اکرم (ص)

یگانه پایه و اساسی که رسول اکرم (ص) بنیاد دین خود را روی آن قرار داده و آن را پایه

سعادت مردم جهان شناخته اصل توحید است بموجب اصل توحید کسیکه مبدأ آفرینش جهان

و سزاوار پرستش است خدای یگانه میباشد و برای کسی جز خدای متعال نمیتوان سسر

تعظیم خم نموده کرنش کرد، بنابراین روشی که در جامعه بشری باید معمول شود اینست

که همه با هم برابر و برابر باشند و کسی را جز خدا فرمان روی بی قید و شرط خود قرار ندهند

چنانچه خدای متعال میفرماید (سوره آل عمران آیه ۵۸) قل یا اهل الكتاب... یعنی بگو

ای اهل کتاب بیایید روی یک کلمه با هم اتفاق داشته باشیم، قرآن اینست که کسیر از خدای

جهان نپرستیم و کسی را به او شریک قرار ندهیم، اینکه بعضی از مابعض دیگر را خداوند

کار و فرمان روی بی قید و شرط اخذ نکند.

آنحضرت هد فی جرنش دین توحید نداشت بانیگوترین اخلاق و گشاده ترین روی و رسا

ترین حجت و برهان مردم را به توحید دعوت میفرمود و یاران خود را نیز به تعقیب همین

روش توصیه میفرمود چنانکه خدای متعال به او دستور میدهد در سوره یوسف آیه ۱۰۸ بگو

روش من اینست که با بصیرت کامل بسوی خدا دعوت کنم و پیروان من نیز چنین هستند.

آنحضرت در سیرت خود همه را برابر و برابر هم قرار میدهد و در اجرای احکام و حدود الهی

هرگز تبعیض و استثنائی قایل نبود و میباید آشنا و بیگانه و قوی و ضعیف و غنی و فقیر، مرد و

زن سیوا سفید فرقی نمیگذاشت و هر کس را بر

اساس احکام و قوانین دین بحقوق خود می

رسانید و می فرمود (اگر دخترم فاطمه که نزد من محبوبترین مردم است دزدی کند

دستش را می برم) کسی حق تحکم و فرمانروایی و هرگز کوی بکس دیگر نداشت و مردم در بیرون

از مرز قانون حد اکثر آزادی را داشته (البته آزادی مقابل قانون نه تنها در اسلام بلکه

در هیچ قانونی از قوانین اجتماعی معنی ندارد) پیغمبر اکرم ص در زندگی خود هیچگونه

امتیازی برای خود قرار نداد و هرگز پیش کسیکه سابقه آشنائی با آنحضرت نداشت از سایر مردم

تمیز داده نمیشد، بکارهای خانگی میپرداخت همه را سخما می پذیرفت و سخن ارباب

ها حب گوش میداد، روی تخت و در صدر مجلس نمی نشست در موقع حرکت موکب و تشریفات

رسمی نداشت و اگر مالی بدستش می رسید بیشتر از مخارج ضروری خود را بفقرا میداد و

گاهی موجودی ضروری خود را نیز بمستمندان داده و بکار سنگی می گذرانید و همیشه مانند

فقران زندگی میکرد و با فقرای نشست در احقاق حقوق مردم کمترین مسامحه بخرج نمیداد

ولی در حقوق شخصی خود حد اکثر عفو و اغماض بکار می برد و وقتی در فتح مکه سران قریش

را بحضورش جلب کردند با اینکه پیش از هجرت انهمه ستمهایی کرده و پس

از هجرت نیز فتنه ها برانگیخته بودند کمترین تندی از خود نشان نداده و همه را عفو فرمود.

پیغمبر اکرم (ص) در اخلاق و فضایل انسانی خود انگشت نمای دوست و دشمن بود در حسن

معاشرت و خوشروئی، بردباری و فروتنی و منانیت و وقار نظیری نداشت چنانکه قرآن

مجید با کلمه (انك لعلى خلق عظيم) اخلاق کریمه او راستوده است، بهر که می رسد

حتی بزنان و کودکان و بر بدستان در سلام پیشی می گرفت، یکی از بارانش اجازه خواست

که پیش وی بخاک افتد یعنی سجده اش کند فرمود چه میگوئی؟ اینها روش قبیرو کسری

است و شان من پیغمبری و بندگی است از هنگامیکه از جانب خدا ماموریت تبلیغ دین

و هدایت و رهبری مردم را پیدا کرد لحظی در انجام وظیفه تخلف نکرد و در کوشش خستگی

ناپذیر خود را پای نشست، سیزده سال پیش از هجرت که در مکه بود با گرفتاری طاقت فرسا

که از ناحیه مشرکین عرب داشت پیوسته به عبادت و تبلیغ دین خدا اشتغال داشت و در ده

سال بعد از هجرت با گرفتاریهای روز افزون که از ناحیه دشمنان دین داشت و کار شکنیهای

که بهود منافقان مسلمان نماب کردند معارف دین و قوانین اسلام را با وسعت حیرت انگیز

که دارد بمردم رسانید و بیش از هشتاد جنگ با دشمنان اسلام نمود، علاوه بر اینکه اداره امور

جامعه اسلامی را که در آن موقع شامل همه شبه جزیره عربستان میکردید به عهده

داشت حتی به شکایتها و نیاز مندیهای جزئی مردم بی حاجب و دربان شما رسیدگی میکرد

در شجاعت و شجاعت پیغمبر اکرم ص این اندازه بس که بیکه و تنها در برابر جهان آنروز

که چیزی جز روگوشی و حق کشی حکومت نمیکرد با دعوت حق خود قیام کرد و انهمه

شکستجه و عذاب که از ستمکاران وقت دید

صفحه ۷

نگاهی بر...

هرگز دوری و دلسردی ایجاد نکرد و در هیچ جنگی پای بعقب نگذاشت.

پیغمبر اکرم ص خود را بسیار تمیز و نظیف نگه میداشت، نظافت و پاکیزگی را از نشانه های ایمان شمرده است علاوه بر پاکیزگی لباس و بدن خویش لباس و خوش برخورد هم بوده است و هر موقع که میخواست بیرون بیاید بانیکوترین هیئت بیرون می آمد و مخصوصاً " به عطر علاقه زیادی داشت او در دوران زندگی خود تغییر حال نداد و بسا همان تواضع و فروتنی که داشت هرگز امتیازی که از او اجتماعی اورانشان دهد برای خود قابل نشد، پیغمبر اکرم ص در عمر خود هرگز بکسی دشنام نداد و سخن بیپوده نگفت و باقیهقهه نخندید و عملی سبک و بی ارج انجام نداد، بتفکر و تامل علاقه زیادی داشت سخن هر درد مندی و با اعتراض هر معتزضی گوش میداد، آنگاه به پاسخش می پرداخت هیچ وقت سخن کسیرا قطع نمیکرد و فکسر افزانیکشت ولی اشتباه اشخاص را روشن ساخته روی زخم درونی وی مرهم میگذاشت.

پیغمبر اکرم ص بسیار مهربان و رقیق القلب بود از رنج بردن همیشه متناثر میشد و لوی با اینحال هرگز در مجازات بزه کاران و بدکاران خود رانمی باخت در راه اجرای قانون الهی بین افراد فرق نمیگذاشت، در سرفتنی کخته یکی از انصار شده بود یگ یهودی و یگ مسلمان متهم بود جمع کثیری از انصار، پیش آنحضرت آمده فشار آوردند که برای حفظ ابروی مسلمانان و بالخصوص انصار و نظر بدشمنیهای علینی یهود، مرد یهودی مجازات شود ولی آنحضرت چون حق را به خلاف آنچه میخواستند تشخیص داد اشکارا از یهودی طرفداری کرده و مرد مسلمان را محکوم نمود.

در گریه و دار جنگ بدر که خود شخماصوف لشکر را منظم میساخت یکی از جنگجویان رسید که قدری جلوتر از دیگران ایستاده بود آنحضرت با عاصی که در دست داشت بشکم آن مرد فشار داد که کمی عقبتر ایستاده صف را راست نماید مرد جنگجو گفت یا رسول الله بخدا قسم شکم بدر آمد باید قصاص کنم حضرت عصار ابدست وی داد لباس را از شکم خود کنار زد و فرمود قصاص خود را بکشان مرد دوبده شکم آنحضرت را بوسید و گفت (من میدانم امروز کشته میشوم میخواستم بدینوسیله بدن مقدس شما تماس حاصل کنم) پس از آن بدشمن حمله کرد و شمشیر زد تا شهید شد، پیغمبر اکرم ص همیشه

ازضعیفان و مظلومان حمایت میکرد و به یاران سفارش میکرد که نیازمندان و شکابت ضعیف را بمن برسانید و در این باره مسامحه روا مدار گویند آخرین سخنی که فرمود سفارش بود که درباره بردگان و زنان ب مردم نمود و بعد از آن سخنش قطع شد و چشم از این جهان گذر افرو بست، درود خدا بر او و بر خاندان گرامیش باد.

وصیت پیغمبر اکرم ص به مسلمانان جهان بشریت مانند سایر اجزای جهان هستی

محکوم تغییر و تبدل میباشد و همچنین اختلاف شدید ی که در ساختمان افراد بشر مشهود است سلیقه های مختلف بوجود آورده که در اثر آن نفوس مردم در تندی و کنندی فهم و ادراک و نگهداری و فراموشی افکسار مختلف است.

از این روعقاید و همچنین رسوم و مقرراتی که در میان جمعیتی حکومت کند اگر ریشه ثابت و نگهبانان با ایمان و قابل اعتماد ی نداشته باشد در کمترین وقتی در معرض تغییر قرار گرفته از میان خواهد رفت با مشاهده و تجربه این مسئله را بروشنتری و وجهی برای اثبات میکند.

در راه پیشگیری از این خطر به پیغمبر اکرم ص برای دین جهانی و دائمی خود مدرکی محکم و پای بر جا و نگهبانان صلاحیتداری معرفی فرموده و کتاب خدا و اهل بیت گرام خود را به مردم توصیه نمود، چنانکه تمام فرق اسلامی (خاصه و عامه شیعه و سنی) بنحوتواتر نقل کرده اند که پیغمبر اکرم ص (ص) بارها فرموده است ((من میروم در میان شما دو امانت گران بهامیگذارم، یکی از آنها کتاب خدا (قران) و دیگری اهل بیت و عترت من است اینها هرگز از هم جدا نمیشوند و شما ما دامیکه بانها تمسک کنید گمراه نخواهید شد))

پایان

تشیع افغانستان

و هر روز دچار مصیبت های عظیمی میگردد، - مثلا " در جنوب لبنان اسرائیل به وحشیانه ترین حملات علیه مسلمانان دست میزند مردم مسلمان بوسنیان سبکشی و ریشه کنن میشود، در عراق صدام مسلمین را قتل عام می کند، در کشمیر هندوها چپا که نمیکند، در آذربایجان، تاجیکستان چه میگردد و در کشور ما افغانستان نوکران استعمار پاپول سرشار و هابی های سعودی یگال تمام جنگهای خونینی را در جهت نابودی شیعیان بر راه انداختند و درین جنگها صدها شهید، هزاران معلول، هزاران خانواده بی سرپناه شدند و - این مردم در میان طوفان حوادث دست و پا میزنند، هم اکنون تعدادی از جوانان رزمنده ما زخمی و مجروح در کوبیده موجود است کسه احتیاج مبرم به معالجه واپریشن دارد که متاء سفانه تمامی در هابرو ی مابسته است و ما توان علاج آنها را نداریم، ولی ما هابیکه خود را انقلابی، آزاده و پیروان صدیق مولای - متقیان علی (ع) و پرچمداران عدالت اجتماعی و مبارزه با استکبار میدانیم در قبال این حوادث بغیر از شعارهای میان خالی چه اقدامات عملی و موثر کرده ایم؟ ناگفته پیداست که همه این مصیبت ها از آنجانشی میگردد که ما مسلمانها بدستور صریح قرآن کریم که میفرماید " **وتعاونوا علی البر و تقوا** " عمل نکرده ایم، گاهی هم اگر اندک تعاون از مبعی بر منبع دیگری بعمل آمده آنرا بحدی بزرگ - جلوه داده ایم که گویا وظایف دینی و شرعی

خود را انجام داده ایم، حال اینکه واقعیت آنست که مشکلات ها همچنان پابرجا باقی است، صدها خانوار آواره جنگهای کابسل و مجروحین جنگ از همه جانان امید شده موجود است که نه دوباره بکابل برگشته میتوانند و نه انطرف دیگر رفته میتوانند، این سند زنده و توجیه ناپذیر دال بر عدم تعاون و همکاری نمیباشد؟ بگذریم از این درد دلها درین مقطع حساسی از تاریخ باتوجه به مشکلاتها، ضرورتها و نیازهای جامعه یگ بسیج عمومی و فراگیر در عرصه های مختلف لازم و ضروری است تا هر جریانی در هر کشوری که هستند هر آنچه در توان دارند در طبقه اخلاص بگذارند و این کارتها از طریق همهانگی بهتر و بیشتر نهضت ها و سازمانهای آزادیبخش میسر است نه از طریق کشورها و دولت ها، چراکه اکثریت قاطع زمامداران کشورهای اسلامی با استعمارها هانگ است و آنها بقای شانرا، براریکه قدرت، مزدوری با استعمار میدانند، اماما معتقدیم که توده های مردم هماهنگ با نهضت ها و احزاب اسلامی میتوانند نقش مهمتری را نسبت بقدرتهای پوشالی داشته باشد، زیرا تجربه به اثبات رسانده که سیل خروشان ملتها سد آهنین استکبار را ویران کرده است، نمونه بارز وقوع انقلاب اسلامی برهبری امام خمینی رحمت الله علیه در ایران است که در برابر آن از قدرتهای پوشالی و پیوسیده بظاهر اسلامی گرفته تا بزرگترین قدرتهای استکباری علیه آن توطئه کردند، اما نتوانستند به نظام ضربه کاری بزنند چراکه تمامی محرومین، مسلمین و اخما " شیعیان جهان بدون در نظر داشت پالیسی های کشورشان خاصا " بخاطر پیوند ایدئولوژیکی ازین انقلاب حمایت کردند، لذاتار و زیکه این حمایتها باقی است هر اقدام دشمن ناکام است پس باید همه ما در مصیبتها و شادیهای همدیگر خود را شریک بدانیم و برادری خود را در عمل با اثبات برسانیم و دوام برادری نیز مستلزم آنست که در کلیه معادلات سیاسی و غیر سیاسی احترام متقابل ملاک باشد که این چنین روش ضامن بقای دوستی میباشد، در غیر این هر چه ما و شما باتوجه بر مجبوریت ها، مصالح مکتوب و اندیشه و برخورد منفی همدیگر را ناندیده بگیریم باز هم جوناگوار ی بوجود خواهد آمد چه بسا اینکه کار به ضدیت بکشد.

حزار گرامی!

گرچه درد دل زیاد است ولی وقت کم از اینکه بنده متعلق بجامعه تشیع افغانستان هستم بشما گفته میتوانم کسه مردم ماملت قدر شناس بوده و در تمام معادلات سیاسی و غیر سیاسی با دید مکتبی و مذ هبی عمل نموده و مینماید، امر و برای حل همه مشکلاتها و پرابلمهای جهان اسلام دست برادری را با شرط برابری بسوی همه مسلمین مخصوصا " مؤمنین در از نموده و تا همه با هم بتوانیم زنجیرهای اسارت و بردگی را از پای جوامع انسانی و اسلامی برکنیم.

به امید آنروز



داکتر علی رضوی غزنوی

از: ندای وحدت

میهن ما را وهابی ها و عمالشان برباد میکنند.

راجع به وهابیت و وهابیگری و وهابیهای عربی در افغانستان بنده دو مقاله در طی سال گذشته به نشر رسانده است. یکی "عربهای وهابی در کشور ما افغانستان چه می کنند؟" و دیگری "احکام وهابی های عربستان به رهبران بنیاد گرای افغانستان" (هر دو در نشریه امید) هیچ نکته ای از آن دو مقاله را بار دیگر باز نمی گویم. تنها برای افتتاح بخشی از مقاله ای را که زیر عنوان "از ماست که بر ماست" به نشر رسیده است به دو منظور نقل میکنم. نخست، تا روشن گردد که عامل اصلی بدیده زهر آگین و کشنده ای که میهن ما را برباد خواهد داد، کیست و دیگر آنکه پیدا آید که جریان موجود در افغانستان چگونه کاپی مطابق به اصل و مرحله دوم تکامل یافته وهابیت آغازین در جزیرت العرب است.

نوشته بودم ۱۰۰ دولت ربانی که مار پر خط و خال زهر داری چون سیاف سیه کار را در آستین جای داده و پرورده است، اگر نتوانسته بود رهبران تنظیمهای سابق را جلب کند چه خوبتر که از خیر این شر محض میگذشت. اکثر خوانندگان گرامی این وهابی مشهور را می شناسند و از گپ گندیده اش که همه افراد تحصیل یافته و غیر آن را که در تنظیم او و همانندان او عضویت نداشتند "کیدلان" گفته بود، اطلاع دارند. لیکن وضع موجود شناخت این محیل مخوف را برای هر هموطن دلسوز به حال ملت و وطن واجب میگرداند زیرا که سر نوشت مردم مظلوم ما بد بختانه بدست همین شخص و امثال او افتاده است. بر اساس خبری که در یکی از شماره های مجله آئینه افغانستان به چاپ رسیده، سیاف کسی را که در محفل خصوصی او به دری سخن میگفته تهدید کرده است که اگر بار دیگر زبان به پارسی گذاشتی زبانت را با چاقو از بیخ می برم. آیا چنین موجودی از مار آستین خطرناکتر و مجسمه شرارت نمی باشد؟

متأسفانه اکثر مردم هنوز هم خطر سیاف را چنانکه باید و شاید درک نکرده اند و به این گفته که تا دست سیاف و همفکران همدست او در کارها دخیل باشد افغانستان روی صلح و آرامی را نخواهد دید، به دیده ناپاوری و نوعی تعجب مینگرند. برای آنکه بتوان تا حدودی به پندار و کردار شوم این عامل ناپاک اجنبی پی برد، اشارتی به راه و رسم و عملکرد پیشوای وهابیت ضرورت دارد که سیاف دنباله رو اوست و قدم چای قدم او می گذارد. سیاف با عربهای وهابی آدمخوار خود در این کمتر از یکسال که از پاکستان برگشته است با وهابی بازیهای خود وطن ما را برای هم وطنان به جهنم سوزان بدل کرده است. امروز در وطن ما به عقیده بسیاری از ناظرین و اهل خیره، چرخ بسیاری از کشتارها و غارتگریها بدست او میچرخد.

پسای شناخت بهتر شیخ محمد موسس حرکت وهابی و شیوه تروریستی دعوت او به آن حرکت نقل یکی دو روایت تاریخی از یک کتاب

تحقیقی که چند فصل آن در مجله قلم در خدمت جهاد (نور ۱۳۴۸) انتشار یافته است هرچند به اختصار بسیار ضروری به نظر می رسد. زیرا که ماجراهای زندگی سراسر ناخست و ناز مار آبه سابقه و ریشه اعمال فجیع وهابی ها به سرکردگی سیاف در کشور خود ما بخوبی آشنا می گرداند. نوجوهی هر چند عمیق تر به این سوابق پرده پندار و نا باوریه را از پیش چشمان دیر باوران دور خواهد ساخت؛ آئوسی در کتاب (تاریخ نجد) از قول (ابن بشر نجدی) نقل می کند که: من (ابن بشر) در اول کار شاهد تنگدستی مردم (درعیه) بودم سپس آن شهر را

در زمان آل سعود مشاهده کردم در حالیکه مردم آن از ثروت فراوان بر خوردار بودند. سلاحهای ایشان با زر و سیم زینت شده بود، بر اسبهای اصیل و نجیب سوار می شدند. جامه های فاخر در بر می کردند و از تمام لوازم زینتی بهره مند بودند، به حدی که زبان از شرح و بیان آن قاصر است. روزی در یکی از بازارهای درعیه ناظر بودم که مردان در طرفی و زنان در طرف دیگر قرار داشتند. در آنجا طلا و نقره و اسلحه و شتر و گوسفند و اسب و لباسهای فاخر و گوشت و گندم به قدری زیاد بود که زبان از وصف آن عاجز است... این ثروت انگشت از حمله به مسلمانان قبائل و دیگر شهرهای نجد (به جرم موافقت نکردن با عقاید شیخ محمد وهابی) و به غنیمت گرفتن و غارت کردن اموال آنان بدست آمده بود. روش شیخ وهابی مذکور در مورد غنائم جنگی (که از مسلمانان آن دیار میگرفت) این بود که آن را هر طور که دلش می خواست به مصرف می رسانید. او گاهی تمام غنائم را که در جنگی نصیب او شده بود، و مقدار آن هم خیلی زیاد بود، تنها به دو یا سه نفر اعطا می کرد. شیخ وهابی با مسلمانانی که از عقاید او پیروی نمی کردند، معامله کافر حربی میکرد و برای جان و ناموس آنان ارزشی قائل نبود. بله، هر کس دعوت او را پذیرفت جان و مالش محفوظ می ماند وگرنه خون و مالش مانند کافر حربی حلال و مباح بود. جنگهایی که وهابی ها در نجد و خارج از نجد از قبیل بمن و احتجاز و اطراف سوریه و عراق می کردند، بر همین پایه قرار داشت. هر شهری که با جنگ و غلبه بر آن دست می یافتند برایشان حلال بود. اگر می توانستند آنرا جزا و متصرفات و املاک خود قرار می دادند و الا به غنائمی که بدست می آوردند، اکتفا می کردند. (جزیرت العرب فی ال قرن پنجم، ص ۳۲۱) کسانیکه با عقاید مؤسس وهابیت موافقت می کردند دعوت او را می پذیرفتند باید با او بیعت نمایند و اگر کسانیکه به مقابله بر خیزند باید کشته شوند و اموالشان تقسیم گردد. طبق این رویه مثلا از اهالی یک قریه بنام (فصول) در شهر (احسا) سه صد مرد را بقتل رسانیدند و اموالشان را بگارت بردند. (تاریخ المملکت العربیه السعودیه، ص ۵۱) شیخ محمد در سال ۱۲۰۶ در گذشت و پس از او هم پیروان وی به همین روش ادامه دادند.

امروز محله انشار در شهر کابل (افغانستان) همان قریه فصول در شهر احسا (عربستان) سه قرن پیش است. و شیخ عبدالرسول پغمانی همان شیخ محمد نجدی است اما آن کس که اینک در افغانستان مشابه امیر سعودی آن روز گار، از متجاوزین غارتگر و آدم کش و متجاوز و ز مفسد حمایت می کند کیست؟

هموطنی می گفت که: همه می دانیم که در همه کشورهای اسلامی و غیر اسلامی پیروان مذاهب مختلف اسلامی زیست دارند. در گذشته ها در وطن ما هم پیروان مذهب شافعی بوده اند و هم حنبلی و غیر و شاید اکنون هم باشند که جای هیچ چون و چرایی نیست. پرسید که: اگر امروز هم پیروان مذاهب دیگر اسلامی از جمله مذهب وهابی در افغانستان موجود باشند چه عیب و چه اشکالی دارد؟ گفتم که وهابیت "مذهب" نیست، مخالف مذهب و دشمن مذهب است. گفت: پس چیست؟ گفتم: "حرکت است". اما به یاد آمد که حضرت استاد سمندر غوریانی در هفته نامه امید "حرکت" بودن وهابیت را هم زیر سوال برده آنرا جنبشی و نهضتی به شمار نیارده بود. زیرا جنبشهای اسلامی معمولاً حرکت به پیش بوده با تحول و تکامل و اصلاح و تعقل و

دانش و مردمی همراهی داشته است حال آنکه وهابیت، جمود و خمود و خرد ستیزی است و خشونت و کهنفکری و سیر قهقراپی. نه من اهلیت و صلاحیت وارد شدن در بحث مستوفاد دقیق و حرکت را دارم و نه نشریه ندای وحدت جای بحثهای غامض مدرسه ای مفصل است. آنچه نوشتن این مقاله را لازمی و مناسب بل ضروری و واجب می گرداند. ضررهای مدهش جبران ناپذیر است که بیگانگان و بیگانه پرستان به این نام در کشور ما به مردم ما رسانده و می رسانند و ما اگر خاموش بنشینیم گناهست. باین مقدمه کوتاه گفتار مختصر خود را شروع میکنم.

خواندیم که شماره عربهای شرکت کننده در جنگ های افغانستان معلوم نیست اما معلوم است که هزاران عرب از چهارده کشور به افغانستان ریخته اند تا جهاد نمایند. خواندیم که گماشتگان این عربها به نام نمایندگان جهاد افغانستان در همین ماهها در ایالات مختلف امریکا، هر جا که زمینه مساعدی فراهم آوردند، مسجد به مسجد گشته به اسم "جهاد" پول جمع کرده اند. آنها در خطبه های نماز دروغ های شاختار با آب و تاب و غر و فتن طبع و وظیفه تسلیم نماز گذاران کرده گفته اند که: در افغانستان اکنون جهاد به بهترین صورت خود علیه متحرفین و مرتدین و زندیق ها و منافقین ادامه دارد. اینکه مراد از این گناهکاران نخیلی چه کسانی خواهند بود بر نگارنده روشن نیست اما روشن است که به همین نامها هزاران سر را همینها زیر خاک خواهند کرد. گفته اند که جهاد پایان ندارد و زمان و مکان نمی شناسد. پس از افغانستان نوبت تاجکستان و ازبکستان و کشورهای دیگر است. چون هر یک از این کشورها به جان خود گرفتار است. مناسبترین موقع برای جهاد است.

خواندیم که رادیو کابل از عربهای گلبدین نالیده است که با قوای حکومت با سلاحهای نقلیه و خفیه می جنگند، گشته میشوند و امیر میگرددند. قبلاً از سیاف شنیده بودیم که گفته بود پنج هزار عرب او را رئیس جمهور هرگز از افغانستان نخواهد کشید (یعنی نتواند کشید). اگر عربها نباشند سیاف هیچ است. خواندیم که هزار ها عرب وهابی سیافی در تندوز فعالیت دارند و تعداد شان روز افزون است. اینان برای حمله به تاجکستان آمادگی و صف آرای دارند. گویا دولت تاجکستان از دست همین ها و امثال شان شکایت کرده است. سیاف که یک چک ملک فهد به نام او هزار میلیون دالر بود و از آن قبیل چکها از چندین دست و دامن به تکرار گرفته است و همی گرفته روانست، چسان می تواند از این همه سودا و سرمایه و سر باز دست بردارد؟ در آسیای میانه که عربهای وهابی با طرح و تطبیق پلانه های دقیق و دراز مدت با دهشت افکنی و دسیسه و قتل و غارت، قیامت برپا کرده اند، هم بدون شک یک سیاف ازبک یا تاجک به مزدوری گرفته شده است. چنین کسی یا وظیفه شیخ محمد مجدی مؤسس این تأسیس را اجرا می نماید یا وظیفه ملک یا امیر و رئیس حامی سفاکیهای و جنایات او را عیناً به همان منوال که سه صد و اند سال قبل در عربستان آغاز یافت و امروز در میهن ما جریان دارد، فردا و فرداها هیچ معلوم نیست که دامنه این تهاجمها تا کجا کشیده شود.

مثله کردن یعنی بریدن اعضای بدن یک انسان از کارهای اعراب جاهلی و آنچنانی است. یک افغان به چنین پستی ها و رذالتهای تن در نمیدهد مگر آنکه "عرب زده" و خود باخته یعنی

هویت خود را فروخته باشد. آن کسی که در جنابات هولناک و سنگین محله افشار، دست انسانی را برید و پیش سگ انداخت و با چنین دیوانگی و دناوت نفرت جهانیان را برانگیخت با عرب بود یا عرب پرورده و از افتابیت و ملیت نیاکانی خود بیگانه/ کاری که گاهی از دست ملحدان روسی با نوکرانشان ممکن است سرزده باشد و بس. در کثافت کارهای مرستون که نام افغانستان را در دنیا بد کرد و عرق شرم بر پیشانی هر مرد و هر زن آن آب و خاک نشاند، بی گمان این دد منشان بیش از دیگران دخالت داشتند.

در میان این افراد به شهادت حسنی مبارک رئیس جمهور مصر، چنانکاران شریری اند که -حکومت‌های عربی آنها را از زندان بیرون آورده اند به نام "جهاد" به افغانستان فرستاده اند تا کشته شوند و ملتها از شرشان آسوده گردند. این جماعت جاهل و گمراه از قماش آن دشمنان آزادگی و مروت و مدنیت اند که حکومت عربستان سعودی را به سخت نگرقتن بر زنان منهن میکنند و بخاطر اجازه موثر رانی دادن به زنها آن دولت را نکوهش می نمایند. از قماش همانهایی اند که صد ها هزار هموطن مسلمان خود را تنها به گناه آنکه مثل این جماعت فکر نمیکنند واجب القتل و مهدورالدم اعلام میدارند و به ارتداد نسبت میدهند و از خدا و خلق او تعالی بیم و پاک و شرم ندارند. حال که عربها، تروریستهای برکشته به وطن های خود از افغانستان و هر دهشت افکن دیگر عرب را که ریش انبوه دراز گذاشته و پیراهن و تنبان گشاد پوشیده باشد "افغان" می خوانند. مردم ما هم به ناچار هر هموطن برادر کش خود را که درنده خوبی پیشه کند "عرب" خواهد نامید یا "وهابی"!

ما به عربها هیچ بد نکرده ایم آنها با ما بد کرده اند. تا گفته پیداست که غرض تنها و تنها عربهای وهابی آدمکش مهاجم بر افغانستان است که مین میسو سرشت ما را به دوزخ سوزان بدل کرده اند/ ولا غیر. ما هرگز به خود کمترین حقی نمیدهیم که به معتقدات برادران هم دین وهابی چه عرب یا غیر عرب صرفاً از لحاظ اعتقادات شان اعتراض داشته باشیم. سخن بر سر عمل است. سخن در نکوهش مزاحمتها و برادر کشیهاست که فریاد استغاثه ما را به آسمان رسانیده است. راجع به خطرناکی مفکوره مزاحم مورد بحث مخصوصاً راه و رسم عملی افراد بسیار زیادی که به آن راه روانند و هر روز بر شماره شان افزوده میگردند تذکر دو سه نکته از باب تأکید و بعنوان هشدار و اتمام حجت ضروری به نظر می آید و از این قرار است.

نخست آنکه، اغلب عرب های وهابی مشغول کشتار در افغانستان از کودکان و نوجوانیها تحت تاثیر تبلیغات تروریستی قرار گرفته با پدر و مادروالفت و محبت خانواده گی بیگانه گردیده اند. اغلب این ها مجرداند و اگر زن و فرزندی هم داشته باشند همه را غیرمسئولانه ترک گفته به فراموشی سپرده اند. بهمین علت است که جرایم جهان نوشتند که برخی از این سنگدلان فسی القلب اطفال معصوم زنان محروم و بیگناه را با پر چه و کارد و تیشه و تفنگ دست و پا بریدند و شکم دریدند و سینه شکافتند و سوراخ سوراخ کردند، گوشتی از عطرقت اسلامی و شفقت انسانی بویی نبرده و نامی ننشیده اند.

دوم، وهابی های مورد گفتگو ملیس به لباس شبه روحانی است، لهنذا به اصطلاح ظاهرالصلاح جلوه می کنند. اینان هر عملی را هم که مرتکب می گردند، بر آن تابه شریعت می زنند، بنابراین بسیار عوام فریب می باشند. نتیجه آنکه هزاران جوان ناخوان و کم سوادماکه با این گروه گماشتگان و شیفتگان آنان ارتباط مستقیم یا غیر مستقیم پیدا می کنند، دین مقدس اسلام را در کلمه جهاد منحصر می پندارد و جهاد را هم به معنای کشتن و کشته شدن می فهمند و بس.

اگر تعالیم دینی در وطن ما تا این حد به انحطاط و سقوط گراید برای ما چگونه قابل تحمل با چشم پوشی تواند بود؟ گذشته ازین در حوزه ها و حجره های که وهابیان بنا افکندند اگر چه نان و حلوا فراوان به طلاب خواهد رسید اما نمره علمی به یقین همانا قتل و جدال خواهد بود. تجربه ها گواه این مقال است.

سوم، وهابی ها طریقه و راه کوتاه و آسان و فوق العاده ثمر بخش و سود آور را کشف و انتخاب کرده اند. راه و طریقه ای که انسانهای ساده اندیش و سطحی و زودباور و طماع و بیکار و مفتخوار را به سهولت و سرعت به سوی خود می کشاند و آن راه اینک: هر فرد یا جمعی را که دل تان خواست مرند و منحرف بنامید، آنگاه سرشان از زدن است و مال شان از خوردن. شما نمیتوانید پس از آن عملیات مستحسنة و مستحبه متمره، راحت و آسوده و خاطر جمع بخواهید زیرا که عبادتی کرده و یک عمل شرعی انجام داده اید (تعوذبالله من شرور افسنا)

چهارم، به نظر من عربهای وهابی در افغانستان که در همه جا با غرور حضور دارند از ما این های روسی که پنهان اند خطرناکتر می آیند. زیرا مابتهای روسی را می توان به طریقه فنی دانه دانه از کار انداخت اما مابن های وهابی را به هیچ طریقی نمیتوان از کار انفجار باز داشت. دیگر آنکه اگر با مابن روسی کاری نداشته باشید یعنی هر جا که "اوستا" نروید و نزدیکش تشوید، کاری با شما ندارد. اما مابن وهابی به هیچ روی از شما دست بردار نیست. وهابی تا همه افراد جامعه را کاهی و نسخه بدل خود نساخته ایلا کردنی نیست. وهابی ها به همه چیز مردم کار دارند به ریش و بروت و به خواندن و نوشتن مردم و به خوراک و نوشاک و پوشاک و رفتار و گفتار و کردار و حتی مسائل درون خانه مردم هم کار دارند. مثلاً اگر در اثر استراق سمع مکاشفه بعمل آید که از رادیو و ضبط صوت خانه شما صدای کیبوتر و فاخته یا ناشناس و نینوازی شنیده شده است، به شما اخطار می دهند و اگر گپ به آواز مهوش و پروین و سلما و دیگرانانیه برسند، وای بر حال شما!

بالآخره اگر هر وهابی مهیب و مدهش بر کیدوکن را یک مابن در نظر گرفته باشیم باید این را هم در نظر بگیریم که این مابن ها زاد و ولد هم دارند. هر وهابی میتواند تا صد ها تن مثل خود به وجود آرد و بپروراند و آن پرورده عین عملیه پیشین را انجام دهد و چنین کاری همین اکنون شبانه روز جاری است و لحظه ای هم توقف نمیپذیرد. هر نظر داشتن این مطلب از آن جهت ضروریست که کسی نگوید مابن های روسهای لعین را با مابن های وهابی برآورد کرده اند حال آنکه شاید شماره وهابی های سیاف و غیره از صد هزار تجاوز نکند. که یک حساب ساده آمیخته با مقدار خوشبینی و بدبینی به این نتیجه می رسمیم که اگر اوضاع تغییر کند و بهتر شود که احتمال آن بسیار ضعیف است و اگر ملل متحد به داد ملت ما برسد که هرگز نخواهد رسید، در آن صورت شاید تا ده سال دیگر تعداد مابن ها به نصف تقلیل یابد یعنی به ۱۵ میلیون که برای هر نفس کش یک مابن برسد. در مقابل اگر وضع موجود دوام نماید و یا بدتر شود که احتمال دوم بسیار قویتر است. تعداد وهابی ها نیز به نوزده میلیون تکثیر خواهد یافت چه از جنس وارداتی آن و چه جنس تولیدات داخلی. به بیان دیگر اگر هر مابن بنواند یک نفر را بکشد هر وهابی می تواند تا صد ها انسان را در واقع به هلاکت برساند.

وهابی ها به نام مردم هم کار دارند اگر کسی عبدالرسول، عبدالنبی یا عبدالاحمد و از این قبیل نام داشته باشد باید نام او حتماً گشتانده بشود. چنانکه نام سیاف را که عبدالرسول بود عبدالرب کردند. ظاهراً یاسر و مزمل که از کلانهای حکومت کابل به حساب

می روند، از همین جمله نام های تغییر یافته می باشند. وای بر حال کسانی که عبدالحسین، عبدالشفیع و عبدالرضا نام داشته باشند. وهابی رفتی چنین نام ها را می شنوند چنان برافروخته می شوند که می خواهند با خود را بکشند و با صاحب آن نام ها را.

در همزیستی وهابی ها مصیبت های بالا تر از این هم وجود دارد. وهابی منکر شفاعت شفیع محشر رحمت عالمیان محمد مصطفی (ص) می باشند. چنانکه از نوشته "حرکت وهابی" به قلم جناب فضل غنی مجددی برمیآید وهابی ها سخنگیری و بهانه تراشی می کنند که شفاعت آنگاه صورت خواهد گرفت که خداوند متعال بخواهد. بیش از آن تقاضا بی مورد است. حاصل آنکه در ادعیه بعد از نماز یا هر دعای دیگر تا از زبانی مسلمانی برآید که با رسول الله یا شفیع المذنبین مشت وهابی بر فرقی خواهد خورد زیرا به پندار اهلخانه او کفر گفته شده است. حال آنکه از دیوان های شاعران گرفته تا دعاهای مانوره و دعاهای روز مره که ذکر دلها و ورد زبان هاست، التماس شفاعت از شفیع روز جزا عبادت است.

چنین است ای برادر که با وهابی ها در یک محیط و یک سرزمین زندگی کردن محال می گردد مگر آنکه کسی بنواند همرنگ جماعت شود و از عقاید و ایمان و وجدان دست بشوید. پناه همه اهل ایمان و مردم مسلمان به پروردگار مهربان از دست "پیران جاهل شیخان گمراه" آقای سید طیب جواد پژوهشگر برآزنده و برومند در هفته نامه "امید صفحه مستقلی با کلیشه گزارشهای از مطبوعات جهان در باره افغانستان و منطقه دارند. از رشحات قلمی شان ترجمه از زبان های سه گانه انگلیسی و فرانسوی و آلمانی بهره بسیار برده شده است. آقای جواد در شماره (۱۲ جون ۹۳) امید فشرده گزارشی را از اکونومیست چاپ لندن (۱۱ جون ۳۹) زیر عنوان "سربازانی که در پی جنگ اند" باز گفته است که بسیار مناسب است در اینجا به اختصار نقل گردد. نوشته اند:

اکونومیست می نویسد که عربهای جنگ دیده و جنگیده در افغانستان که در کشور های خود شان بنام افغان و افغانی یاد میشوند، زمانی

نام و حیثیت فرمانان جهاد مقدس را داشتند اما حالا مقامات رسمی عربی آنها را فاسد و هززه خوانده و به جهاد افغانستان نام افتضاح آمیز "مکتب قریبه تروریستهای دین" را داده اند. مقامات امنیتی مصر، الجزایر، تونس و اردن "افغان" هارا وسیله انتقال مهارت ها و دسپلین نظامی به گروه های بنیادگرای کشور های مربوط شان میدانند. مصر در این اواخر برای کسانیکه در خارج آموزش خرابکاری و نظامی دیده باشد، مجازات اعدام مقرر کرده است و تا حالا تعداد زیادی از "افغان" ها را توقیف و بیست و شش نفر آنها را در محاکم عسکری محاکمه نموده است.

بنا بر گزارش تعداد عربهاییکه داوطلبانه به افغانستان و پاکستان در سالهای جهاد آمده اند، بیست تا سی هزار نفر است. اما ادعا میشود که از آن میان فقط شش هزار نفر عملاً به میدان جنگ رفته اند. عربها در واحد های جداگانه و تدریجاً کنار مجاهدین طرفدارشان می جنگیدند. بعد از ختم جهاد تعدادی بی سروصدا به کشورهای شان باز گشتند و جمعی هم به بوسنیا رفتند اما تعداد زیاد آنها به داخل افغانستان رفته اند و با اندیوال سابق شان حکمتیار یا سایر گروههاییکه توسط سعودی تقویه و حمایت میشوند پیوسته اند. جنگ افغانستان میراث خطرناکی را برای منطقه باقی گذاشت که عمدتاً مرکب از مقدار زیاد اسلحه پیشرفته روسی، امریکایی و چینی و جماعتی از جنگجویان میدان دیده اما افسرده بود که بعضاً به جنایت و طغیان علیه رژیمهای سیاسی کشور های خودشان دست میزنند. چنانچه افغانها شناخه شبه نظامی حزب



جنرال خداداد خان هزاره و جنرال غلام سخی ظفري جهت بازديد مردم شريف كويته وارد بلوچستان شد

بد نپال پيام تاريخي ۱۱ ار ۵ ر ۱۳۷۲ حزب وحدت اسلامي از كابل در تاريخ ۱۵ ار ۵ ر ۱۳۷۲ محترم جنرال سخی ظفري و محترم جنرال خداداد هزاره وارد كويته بلوچستان گرديد در فرودگاه كويته جمع كثيري از اقشار مختلف مردم كويته بامستولين دفتر از آنها استقبال بعمل آوردند ، پس از ورود بدفتر جناب آقاي رحيمي يكي از مستولين دفتر ضمن معرفتي مهمانان بمردم بانهاخير مقدم گفتم و از مستقبلين نيز تشكر بعمل آمد ، انگاه محترم جنرال غلام سخی ظفري طی صحبت کوتاهی اعلام داشت كه هدف از سفرشان در كويته بازديد از مردم شريف كويته مي باشد كه بدستور دبیركل حزب وحدت اسلامي محترم استاد مزاری بعمل مي آيد .

سپس برنامه دید و بازدید از طرف دفتر اعلام شد و مستقبلين پراكنده شدند كه در تاريخهای ۱۶-۱۷-۱۸-۱۹-۲۰ بلااستثني مردم بطور دسته ، دسته ، صنف ، صنف به دفتر مراجعه و پيام شوراى تصميم گيرى و دبیر كل حزب وحدت اسلامي را از آنها استماع مينمودند و در ضمن سئوالات شان در رابطه به اوضاع سياسي نظامي افغانستان مطرح كه از طرف هيئت پاسخ لازم داده ميشد .

شايان ذكر است كه در مدت اقامت هيئت مذکور برنامه های مختلفی از جانب مردم شريف شيعه و هزاره كويته برگزار گرديد كه بشرح زير خلاصه ميشود .

۱- شب ۱۶ ر ۵ ر ۲۲ جمع زيادي از مردم در منزل يكيه از طرف سازمان ايج ، ايس ، ايف آماده شده بود از هيئت دعوت بعمل آمد كه با حضور در انجا ضمن رساندن سلام و پيام مستولين حزب وحدت اسلامي در مورد وضع سياسي نظامي كابل توضيحات لازم ارائه شد .

۲- در تاريخ ۲۰ ر ۵ ر ۲۲ مراسم های مختلفی از طرف تنظيم نسل نوهزاره مغل در مقران اداره برگزار و هيئت مذکور در ان شركت نموده و از اسكول تحت اداره تنظيم بازديد بعمل آمد و همچنين ، تنظيم نسل نوهزاره مغل يك كنفرانس مطبوعاتي تشكيل داد ند كه مهمانان در انجا به سئوالات مردم پاسخ دادند .

قابل ياد آوري است كه اداره تنظيم نسل نوهزاره مغل طی يك برنامه اي نشاني از تنظيم راي عنوان تحفه به هيئت اهدا كردند .

۳- در تاريخ ۲۱ ر ۵ ر ۱۳۷۲ از طرف دانشجويان اماميه (اى ، ايس ، او) سميناري تحت عنوان " نقش ملت شيعه در جهاد افغانستان " تشكيل دادند كه در ان از مهمانان و مستولين دفتر دعوت بعمل آمد و سخنرانان متعددي در ان پيرامون بحران افغانستان به تفصيل صحبت كردند ، شايان ذكر است كه اين سمينار را برادران اى ، ايس ، او در يكي از روزهای كنگره مستولين سرتاسري خود كه نمايندگانى از سراسر پاكستان حضور داشت داير كردند .

و درين سمينار علاوه از اعضاى كنگره ، اعضاى كنسولگري و خانه فرهنگ جمهوري اسلامي ايران و تعداد زيادي از مهاجرين و انصار دعوت بعمل آمده حضور داشتند .

۴- در تاريخ ۲۳ ر ۵ ر ۱۳۷۲ سالروز آزادي كشور برادر پاكستان اداره شهيد مائيلو كه يك اداره رضاكار و مبارزه بامواد مخدر است بياد

بود بنيان گذار اين اداره شهيد مائيلو يك مسابقه فوتبال گذاشته بودند كه در ان هزاران نفر شركت داشت و از مهمانان حزب وحدت اسلامي محترم جنرال خداداد و محترم جنرال سخی نيز بعنوان مهمانان خصوصي دعوت بعمل آوردند ، كه درين مراسم محترم انجنير مظفر علي چنگيزي برادر شهيد مائيلو به مهمانان خوش آمديد گفته شد و در پاسخ محترم جنرال خداداد هزاره بزبان انگليسي اظهار سپاس نمود ، انگاه محترم جنرال غلام سخی سالروز آزادي پاكستان را بدولت و ملت آن تبريك گفته و از اينكه دولت اسلامي پاكستان بامهاجرين افغانستان همكاري نموده اظهار تشكر نمود و هم از اداره شهيد مائيلو كه نشاني از ان اداره رايه مهمانان حزب تقديم نموده بودند تشكر كرد .

قابل ياد آوري است كه در تاريخ مذکور قبل از ورود در برنامه مسابقه ابتدا هيئت از در مانگا معنادين شهيد مائيلو بازديد بعمل آورد كه از طرف محترم داکتر محترم جمعه منشي عمومي اين شفاخانه نحوه فعاليت اين اداره توضيح داده شد .

۵- در تاريخ ۲۴ ر ۵ ر ۱۳۷۲ مجلس بزرگي متشكل از علما ، موسفيدان و معززين قوم توسط كميته اتحاد ، فلاح و بهبود هزاره در مسجد ناچاري دائر كه در ان حدود ۶۰۰ نفر حضور داشت ، جلسه با تلاوت آيات كلام پاك آغاز و از مهمانان دعوت بعمل آمد تا بمردم پيام مستولين حزب وحدت اسلامي را برسانند كه هيئت مذكوره ترتيب صحبت نمودند و از آنها خواستار هر نوع كمك گرديد و گفتند كه دوام جنگهای تحميلي مردم را در كابل دچار مشكلات فراوان نموده ، سپس حاضرين يكي پس از ديگري ميزان كمكهای شان را اعلام كردند ، شايان ذكر است كه علمای محترم حاضر در جلسه محترم علامه يعقوب علي توسلي حجت الاسلام والمسلمين اسدي هر كدام به نوبه خود از طرف مراجعي كه نمايند گسي داشتند پرداخت سهم امام (ع) را بحزب وحدت اسلامي مجاز اعلام كردند .

نقض آتش بس توسط نيروهای سياف در تاريخ ۲۵ ار ۵ ر ۱۳۷۲

نيروهای اتحاد سياف طی شب و روز گذشته به نقض آتش بس مناطق مسكوني و خطريه و مقدم جبهات نيز و حزب وحدت اسلامي پرداخته و آتش بازي نمودند كه منجر به شهادت و زخمی شدن تعدادي از مردم بي گناه مناطق مسكوني گرديد ، به گذارش خبرگذاري خبرنگار حزب وحدت اسلامي همدستان اتحاد سياف از ارتفاعات حوزه (۵) ريگر ريشن كمپني وسه بانكي بالاي خط مقدم حزب وحدت اسلامي در مناطق مسكوني كوته سيكي و مناطق مسكوني دشت آزاده كان و ده قابل اتشباري نمودند كه منجر به جروح شدن هشت تن از مردم بي گناه دشت آزاده كان و شهادت يكتن گرديد .

در يني نقض آتش بس پي در پي اتحاد سياف در تاريخ ۲۱ ر ۵ ر ۲۲ طی يك عمليات متقابل نيروهای چان بر كف حزب وحدت اسلامي سه پوسته ويك قرارگاه مهم نيروهای سياف واقع در دره پشه فتح شد و در اين عمليات بيش از سي نفراتحاد سياف زخمی و بهلاكت رسيد و از نيروهای حزب وحدت اسلامي يك نفر شهيد و دو نفر زخمی شدند .

استاد مزاری خواستار همبستگی احزاب اسلامی پاکستان شد
۱۵ ار ۵ ر ۱۳۷۲

هيئت اعزامي تحريك ملت جعفريه پاكستان تحت سرپرستی علامه عابد حسين بعد از ظهر چهارشنبه ۱۲ ار ۵ ر ۱۳۷۲ با اعضاى شوراى عالی نظارت و تصميم گيرى و اعضاى هيئت اعزامي شوراى مركزى حزب وحدت اسلامي دیدار و گفتگو نمود درين دیدار استاد مزاری دبیركل حزب وحدت اسلامي افغانستان ورود هيئت پاكستاني را از سوى حزب وحدت اسلامي و شيعيان كابل خير مقدم گفتم و ياد آور گرديد ، در تاريخ شيعيان افغانستان و پاكستان اين اولين بارى است كه شيعيان افغانستان و پاكستان تا اين حد با هم همبستگی دارند ، استاد مزاری با بيان اين مطلب كه در افغانستان محروميتهاى تاريخي ، فرهنگي و مذ هبي راپشت سر گذاشته فرمود ، انقلاب كه شروع شد كمكهای بين المللي بكشور سرازير شد ولي مردم مامحروم بود و از نظر تبليغات نيز محروم بود بعد از پيروزي انقلاب مردم كابل مقداري امكانات دولتي را گرفتند و منسجم شدند و حضور قوي مادر كابل قابل قبول مخالفين نبود و بهمين اساس جنگ را بالاى ماشروع كردند ، ما جنگ طلب نيستيم ، مصلح ميخواهيم ، ولي از طرف مقابل اطمينان وجود ندارد ، ممكن است با هم جنگهای را بر ما تحميل كنند كه در اين صورت هم ، با هم محكم ايستاده ايم و مردان به از خود دفاع ميكنيم ، استاد مزاری ضمن تاكيد بر همبستگی احزاب اسلامي پاكستان گفت برادران تحريك ملت جعفريه بايد از حريم مكتب ملت خود مردانه دفاع كنند و حقوقشان را بخواهند و براى استقرار عدالت تلاش نمايد ، خداوند وائيمه معصومين ع حتما " ماوشمار اباري خواهد كرد ، استاد مزاری افزود خواسته های اصولي حزب وحدت اسلامي تغيير واحد های اداري ، رسميت مذ هب و شركت در تصميم گيرى دولت آينده مي باشد .

سپس علامه عابد حسين معاون تحريك ملت جعفريه پاكستان ضمن تشكر از پذيرائي گرم مستولين شيعيان كابل گفت ، مشاهدات ما از جبهات حزب وحدت اسلامي موجب خوشي و احساس غرور براى ما گرديده است و خداوند را شكر كرديم كه شيعيان اينگونه عظمت دارند ، مادر پاكستان صدای شما را شنيديم و نظريات شما را منعكس ميكرديم و مظلوميت شما را براى مسلمانان ابلاغ مي كرديم ، علامه عابد حسين افزود با وجود تي كه بين شماست ما اميدواريم انقلاب كه بوجود آوريد ادامه دهيد و اميد وارم كه روزي برسد از اتحاد و شهادت شما مادر پاكستان درس بگيريم و ما از بيانات شما براى شيعيان پاكستان تشكر ميكنم و انرا براى مردم پاكستان انتقال خواهيم داد .



بقیه از : پنجمین سالروز شهید عارف حسین الحسینی قائد ملت جعفریه پاکستان .

این سکوت را در هم شکست و روز عید فطر را به عنوان روز سیاه اعلام کرد و با تشکیل اجتماعات مردمی، اعتراضات را بصورت منظم علیه حکومت (وقت) جهت بخشید با این برخورد قهرمانانه ، آمادگی خود را برای هر نوع پیامد اعلام کرد که در نتیجه دستگیر شد و رژیم دچار مشکل بزرگی شد، شهید بعد از اتمام يك دوره کامل از درسهای قرآن از زندان بیرون آمد و با این حرکت ایثارگرانه اوشیعیان پاکستان بحقوق از دست رفته خود تا اندازه ای دست یافتند .

در سال ۱۳۵۸ وقتی برای باز یابی حقوق شیعه سازمان نهضت اجرای فقه جعفریه بوجود آمد شهید هم به این سازمان پیوست مرحوم مفتی جعفر حسین اولین رئیس این نهضت ایشان را به عضویت شورای عالی سازمان در آورد در سال ۱۳۵۹ اجتماع عظیمی از شیعیان پاکستان بعنوان اعتراض علیه اقدامات دولت در اسلام آباد تشکیل شد، شهید نقش عمده ای بر عهده داشت و ایفا کرد .

در سال ۱۳۶۲ بعد از گذشت مفتی جعفر حسین طی يك جلسه فوق العاده شورای عالی نهضت اجرای فقه جعفری علامه سید عارف حسین به اتفاق آراء بعنوان رهبر شیعیان پاکستان انتخاب گردید، در طول مدت رهبری شهید حسینی توجه ملت را بمسائل مهم و اساسی جلب نموده و از تفرقه هابر حذر داشت و عملاً برای وحدت مسلمانان تلاش کرد و با حفظ ویژه گیهای مکتبی خود ب دیگر مذاهب اسلامی نزدیک گردید .

نهضت اجرای فقه جعفری در سال ۱۳۶۶ در يك اجتماع چنصد هزار نفری بر رهبری شهید عنوان يك حزب سیاسی را بخود گرفت، و به اینصورت تز، جدائی دین از سیاست را نفی کرد و نشان داد که " دیانت عین سیاست ، سیاست عین دیانت است "

بعد از حضور رسمی در صحنه سیاست ز شخصیت شهید نمایان تر شد و این اولین باری بود که تاریخ سیاسی پاکستان سیاستمداران را با بینش اسلامی و شجاع بخود می دید، شهید حسینی در اظهار نظرهای شجاعانه برای سیاستمداران دیگر اسوه و الگو بود و این چیزی است که همه بان اذعان داشته دارند و ویژه گی دیگر علامه حسینی شهید پرداختن به مسائل جهان اسلام بود زیرا ایشان با نهضت های اسلامی جهان ارتباط تنگاتنگی داشت و در واقع شهید حسینی در پاکستان حلقه ای از سلسله مستحکم انقلاب جهانی اسلام بود ، شهید حسینی به انقلاب اسلامی

افغانستان و به مجاهدین افغانی علاقمندی خاصی داشت و بارها اظهار داشتند که ایکاش منم در کنار برادران مجاهد خویش در سنگر علیه کفر و الحاد جهانی مشغول مبارزه می بودم ۱ و پیوسته از اوضاع مجاهدین و فتوحات آنان خود را باخبر و در صحنه میگذاشت ۱ در آن زمان بود که شهید از هیچ گونه همکاری با مجاهدین عزیز دریغ نمی نمود و اعتقاد نویسنده بر اینست اگر شهید حسینی امروز از پیش ما هانمیرفت ، حمایت ارتشیع افغانستان در پاکستان شکل دیگری بخود داشت و تا بحال شهید حتما چندین بار از سنگر های خونبار کر بلا ی کابل دیدار مینمود و همبستگی بی قید و شرط خود را از آنان اعلام

میکرد ولی متأسفانه دشمن که او را از خیلی ارماها خوبتر شناسائی نموده بود به او فرصت زیادی نداد ، او که عاشق اهل بیت عصمت و طهارت بود ، فرزند اسلام و قرآن و امام عزیز و راحل بود بحدی که برای ما عزیز بود دشمنانش همان مقدار از اش ناراحت بود . او دشمن هر کسی بود که با خدادشمنی داشت تا سر انجام با دست خون اشام استکبار جهانی در مدرسه علمیه جامعه المعارف الاسلامیه در تاریخ ۲۱ ذی الحجه ۱۴۰۸ صبح هنگام ندای " یا الیه النفس المطمئنه ارجعی الی ربک راضیه مرضیه " رالیبک گفت و باخونش وضو ساخت و پیشانی بر سجاد شهادت بیاسائید ورستگار شد .

روح شاد و یادش گرامی و راهش پر رهروییاد . پایان

معین وزارت تعلیم و تربیه با استاد مزارى ملاقات نمود

محترم شاه اقامجددی معاون اول وزارت تعلیم و تربیه دولت اسلامی افغانستان قبل از ظهر ۲۵ ر ۲۲ با حضور در اقامت گاه استاد مزارى دبیرکل حزب وحدت اسلامی با وی دیدار و گفتگو نمود ، درین ملاقات معاون وزارت تعلیم و تربیه ضمن بیان این مطلب که من واضحا با شما مردم علاقه دارم، الحمد لله از همان زمانیکه من در وزارت تعلیم و تربیه هستم بدون تبعیض کار کرده ام به تعلیم و تربیه همه نیاز داران و نمایندگان لازم را در جهت بازگشائی مکاتب انجام دادیم .

سپس استاد مزارى ضمن تشکر و قدردانی از زحمات مسئولین وزارت تعلیم و تربیه اظهار داشت مردم ما، مردم قدر شناس هستند و هر کس با آنان احترام بگذارید ، آنان نیز متقابلا احترام دارند ، مردم ما به آقای مجددی احترام قایل هستند زیرا که تعصب ندارند و دلسوز هستند .

" جلسه کمیسیون انتخابات "

اعضای کمیسیون عمومی انتخابات دیروز طی اجلاسی طرق عملی و قابل اجرای انتخابات عمومی را بررسی نموده و طرح حزب وحدت اسلامی در مورد انتخابات در معرض تبادل نظر قرار گرفت .

در جلسه دیروز ۲۶ ر ۲۲ اعضای عالی کمیسیون پخش اخبار را دیومینی بر راههای قسمت جنوب و جنوب غرب کابل اظهار تأسف شد و پخش و تحریف اخبار از دست اندرکاران وادی و دانسته و نسبت انبیا کمیسیون عمومی انتخابات تکذیب نمود . در ادامه جلسه بر جمع آوری سلاحهای ثقیله تاکید بعمل آمد

ملاقات سرپرست وزارت احیاء و انکشاف دهات با استاد مزارى

محترم سید اسحاق گوهری سرپرست وزارت احیاء و انکشاف دهات قبل از ظهر دیروز سه شنبه ۲۶ ر ۲۲ با استاد مزارى دبیرکل حزب وحدت اسلامی دیدار و گفتگو نمود .

درین دیدار که تعدادی از مسئولین و معاونین آن وزارت نیز حاضر بودند نخست سرپرست وزارت احیاء و انکشاف دهات گذارشی از روند کار وزارت مربوطه خویش را ارائه کرده و در زمینه خواستار رهنمود هائی از سوی حزب وحدت اسلامی گردید .

سپس استاد مزارى اظهار داشت کابینه موجود يك کابینه ملی نیست ، کابینه احزاب است ، لذا و برای احزاب کاملاً به حزب مربوطه خود در تماس بوده اند

و از سیاست های خود پیروی میکنند . استاد مزارى ضمن غیرقانونی بودن تشکیل ادارى سابقه در تغییر این تاکید نموده و خواستار کمک های سازمان ملل بطور عادلانه در تمام مناطق گردید ، در اخیر استاد مزارى رهنمود های لازم را برای سرپرست وزارت احیاء و انکشاف دهات و مسئولین آن وزارت خانه هدایت داد .

بیانات حجت الاسلام والمسلمین استاد توسلى در روزاربعین حسینى

جناب حجت الاسلام والمسلمین استاد توسلى خطاب به انبویه عزاداران حسینی، ضمن بر شمردن اهداف والا و مقدس امام حسین (ع) - گفت : امروز عزاداران امام حسین (ع) و پیروان حضرت علی (ع) در افغانستان تحت لواء وحدت اسلامی بر رهبری حجت الاسلام والمسلمین استاد مزارى گرد آمده اند و دشمنان خارجی و داخلی در مبارزه هستند روی انما الموءمنون اخوه است که عزت و انسانیت و شرافت مذهبی و اجداد متعهد با سلام و نسل صالح و مومنان خود هار تحفظ مینمایند و می تازند و غرش میزنند که دیگر ز بیوغ استبداد و مستکبرین نخواهیم رفت یا شهادت که افتخار انسانیت است یا زندگی سربلند و طبل انالمررا هر فرد فرد اهل تشیع در افغانستان سر داده اند و بر همه فرزندان دلسوز اسلام و ایمان است که عملکرد حزب وحدت اسلامی را منشاء کارشان قرار دهند و جوان مردانه با دشمنان اسلام و مسلمین در پی مبارزه باشند، ایشان در بخش دیگری از سخنانش فرمود این یگه از روی دیرینه من و همه افراد ملت ما بود که امروز به سبب قهرمانیهای جوانان غیور در افغانستان افتخار بوجود آمده است ، الهی همیشه پاینده و برقرار باقی بماند .

معاونین و روشای وزارتخانه های دولت اسلامی افغانستان با استاد مزارى ملاقات کرد

جمعی از معاونین وزارت خانه های پلا، آب و برق ، تجارت ، ترانسپورت ، احیاء و انکشاف دهات ، صحت عامه و شاروالی کابل قبل از ظهر روز دوشنبه ۲۵ ر ۲۲ با استاد مزارى دبیرکل حزب وحدت اسلامی افغانستان ملاقات و گفتگو نمودند .

درین دیدار معاونین و روشای وزارت خانه هاشکلات موجود مربوطه ، شانرا مطرح نمودند و از رهبری حزب وحدت خواستار همکاری بیشتر در زمینه فعالیت وزارت خانه های شان در غرب کابل شدند معاونین و روشای وزارت خانه های مربوطه طرح و برنامه شان را برای رسیده گی به مردم غرب کابل به اطلاع استاد مزارى رساندند .

سپس استاد مزارى ضمن تشکر از زحمات مسئولین وزارتخانه های مذکور اظهار داشت باید وزارت خانه هایکه در غرب کابل مرکزیت ندارند نمایندگی های شانرا ایجاد نمایند و حزب وحدت اسلامی باتمام امکانات با شما همکاری خواهد کرد و در رابطه با تاءمین امنیت شما مطمئن کامل میدهم .

استاد مزارى ضمن بیان این مطلب که تارمانیکه يك دولت مقتدر نیاشد مشکل است که تمام مسائل حل شود، افزود راه حل قضایا با مشکل کلی فراهم شود حزب وحدت اسلامی حاضر است که تصمیم بگیریم که جنگ از طرف ما آغاز نخواهد شد و تصمیم جنگ نداشتیم و نخواهیم داشت و تا آخرین توان برای تاءمین صلح تلاش میکنیم .



"بمناسبت پنجمین سالگرد شهادت مظلومانه"

شهید عارف حسین الحسینی

قدس سره و پیروی از حضرت امام امت (ره) در ارسال تلگراف اعتراض امیر به شاه معدوم ایران از جمله حوادثی است که بر تفکر انقلابی شهید گواهی میدهد - بعلمت های انقلابی و تحرک شهید وی در سال ۱۹۷۲ م مورد تعرض حکام عراق قرار گرفت و از نجف اخراج گردید .

شهید عارف حسین هنگام ترک عراق بمحضر امام امت رسید و خواستار راهنمایی از آن پیشوای بزرگ گردید، حضرت امام خمینی و کالتنامه ای بادستخط مبارک خود به شهید حسینی اعطا فرمودند که هنگام بازرسی در مرز و کالتنامه مذکور از ایشان گرفته شد .

در سال ۱۳۵۲ س شهید دوباره عازم نجف اشرف شد ولی بعلمت امتناع کشور عراق از دادن ویزا ناچار به حوزه علمیه قم روی آورد و در حوزه علمیه قم از محضر اساتید بزرگ آنجا کسب فیض فرمودند و بدستور امام در تمامی مبارزات علیه

شاه معدوم ایران شرکت داشت ، بهمین علت از ایران اخراج شد ، شهید حسینی پس از عزیمت در پاکستان به فعالیت های خویش با شجاعت و شجاعت ادامه داد و در برابر سختیها و دشواریها ایستاد و برای بازیابی حقوق مردم محروم ، آنها را زیر لوای اسلام جمع کرده و راهنمایی مینمود چنانکه در سال ۱۹۸۰ ادراپی حادث خونینی در پاراچنار و طرفداری حکومت وقت پاکستان از قاتلان و متجاوزان و سکوت در برابر غارتگری ها و تجاوزهای بی شرمانه انسان شهید حسینی بایک اقدام شجاعانه و انقلابی

صفحه ۱۱

ای برای تداوی معتادین درست خواهم کرد، مردم گمان میکردند که این وعده هیبت معمولاً وعده های دوران مبارزات انتخابی است و تحقق آن مشکل میباشد و همچنین مردم یقین نمودند که در کوشته که با بازار مهم مواد مخدر و هیروئین بود میتوان شفاخانه درست نموده و شهر را شهر نمونه و الگو ساخت که از لحاظ مصرف هیروئین و مواد مخدر بدور باشد ، این کار با زحمات طاقت فرسای شهید مائیلوشبانه روزی نه تنها در محدوده قلمرو و کالت خویش بلکه در سطح تمام شهر آغاز گردید و مانع بزرگی بر سر راه فروشندگان مواد مخدر بوجود آورد - مردم بادیدن شجاعت و جهاد شهید مائیلو

صفحه ۲

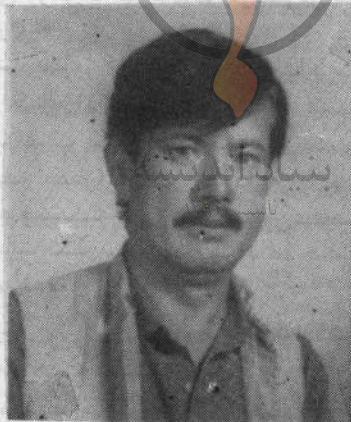
"جریده طلوع وحدت"

جریده : سیاسی، فرهنگی، عقیدتی، خبری
 صاحب امتیاز : حزب وحدت اسلامی
 زیر نظر : کمیون فرهنگی
 مدیر مسئول : م، ط، حاج نظری
 مراکز پخش : دفاتر حزب وحدت اسلامی
 آدرس پستی : کوئته پاکستان پست باکس
 ۱۲۲ فون نمبر ۷۲۲۷۹

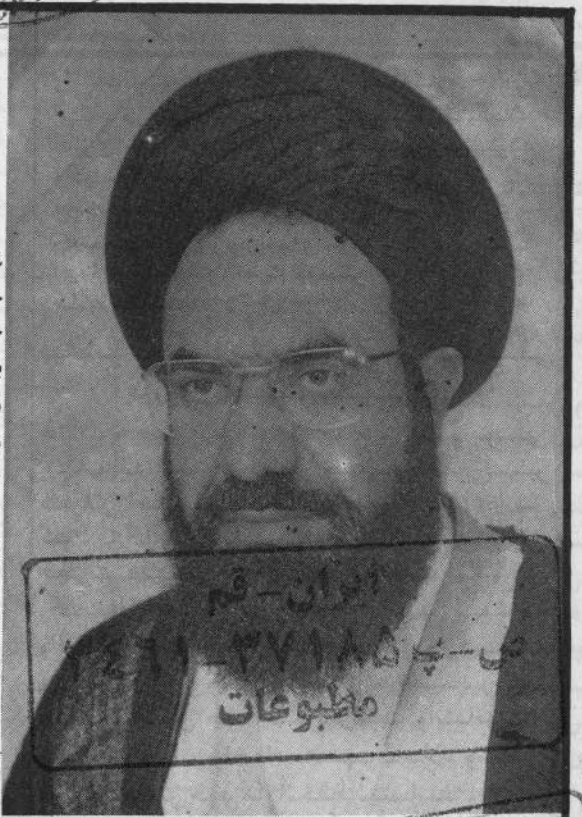
اری این چنین بود هابیل زمان خویش شهید مظلوم ، راهنمای عدالت و وحدت در جامعه ، پراز جو روی عدالتی ، سید عارف حسین الحسینی که هم اکنون در استان پنجمین سالروز شهادت مظلومانه آش هستیم فجر جمعه ۵ اوت سال ۱۹۸۸ م اوکه برخواست بود تا آماده راز و نیاز و زمزمه بامعبود یکتای خود گردد و همه در دلها و اشفتگی هار ابا خدای خود در میان بگذارد ، رفت تا و ضویگیر و باقلب مطهر خویش محراب عبادت ربا خود همنوا سازد ، اما هنوز وضوی ذبکری باقی بود که باید با خون پاکش میگرفت و شلیک های نا جوانمردانه دشمن از کمین گاه او ربا خون غلطاند که او با وضوی خویش آخرین سجده رابه بارگاه عبودیت ادا نمود

رهبر عزیز و بزرگوار ملت جعفریه پاکست سید عارف حسین الحسینی علیه الرحمه ، روز چهارم قوس سال ۱۳۲۵ در روستای مرزی پیوار در یکی از خانواده های روحانی و مذهبی دیده به جهان گشود ، بعد از اتمام دوره های ابتدائی تعلیمات دینی از پاراچنار در سال ۱۳۴۶ وارد حوزه علمیه نجف اشرف شد در حالیکه عراق از سلطه حکومت بعثی حسن البکر رنج میبرد و در عین زمان دوران تبعید حضرت امام خمینی (ره) نیز بود ، شهید عارف حسین در حوزه علمیه نجف اشرف بعنوان یک طلبه فعال متبحر و آگاه مطرح بود ، در جریان دیدار با حضرت آیت الله العظمی سید محسن حکیم

صداقت ، جدیت و قوم دوستی انجام میدهد با هر روز زمان احساسات ملی و قومی شهید مائیلو زیاد تر میگردد که خودش را وقف خدمت انسانیت مینماید ، ایشان تصمیم میگیرد که مرکزیت سالمی برای خدمت قوم به شکل اداره فلاحی درست نماید تا



بتواند خدمات شایسته تری را انجام دهد . بهمین خاطر در انتخابات کونسلری (وکیل گذر) سال ۱۹۷۸ م خود را کاندید نمود و از حلقه شماره ۷۶ بعنوان وکیل گذر با اکثریت قاطع آرا منتخب میگردد ، شهید مائیلو در دوران مبارزات انتخاباتی بمردم وعده میداد که در صورت کامیابی به پیروزی در انتخابات اولین هدف از بین بردن هیروئین از بین مردم خواهد بود و شفاخانه



از نخستین روزگاری که بشرگام بر روی زمین نهاد همسان نور و ظلمت ، هابیل و قابیل در دو جبهه متمایز جای گرفتند ، هابیل ، مظهر اخلاص ، ایمان و ایثار و قابیل جبرئومه تجاوز ، کینه توزی و فساد هابیلیان در طول تاریخ همواره ، مظلومانه به آتش تجاوز و کینه قابیلیان سوخته اند و خون گرم شان گواه مظلومیت و پاکی و اخلاص آنان بوده است .

مختصری از زندگینامه شهید مائیلو قهرمان مبارزه با فروشندگان مواد مخدر

شهید محمد اسماعیل مائیلو در ۲۶ ماه منی ۱۹۵۶ در یک خانواده علمی و قوم دوستی در شهر کوئته چشم به جهان گشود ، ایشان تا صنف ده مکتب تحصیل کرد ، ایشان در دوران تعلیم همیشه بامحصلین بی ادب و بد کردار مبارزه مینمود و بر علیه ظلم و بی عدالتی صدای اعتراض بلند نموده و بامحصلین غریب و درس خوان کمک مینمود ، شهید مائیلو از اوایل زندگی در کارات فلاحی اجتماعی باشوق زیاد شریک میشد ، ایشان در شمار فرزندان قابل قدر قوم می آمد که زندگی خود را فدای وقار و سربلندی و بقا قوم نموده بود شجاعت ، اخلاق نیکو ، شرافت و رفتار ایشان نمونه بارز و زنده برای قوم بود .

کردار شهید مائیلو در زندگی در عمل

بعد از کامیابی از صنف ده ایشان در لیسه داخله گرفت ولیکن بدلائلی تحصیلاتش را ادامه داده نمیتواند ، در همین زمان اتحاد جوانان هزاره ایشان را بسمت منشی (سکرتر) امور خارجه انتخاب مینماید ، شهید مائیلو مسئولیت خویش را در بین ارگان بانهایت